



سرشناسه: علمداری فر، محمد، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآور: مقام و منزلت غدیر در اسلام - محمد علمداری فر
مشخصات نشر: اردبیل: خط هشت، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۱۱۵ص
شابک: ۹۷۴-۶۰۰-۸۳۹۳-۹۲-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: Ghadir
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ م ۷۱۴ع/۵/۲۲۳ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۰۸۷۳۹

عنوان: مقام و منزلت غدیر در اسلام

نویسنده: محمد علمداری فر

ویراستار: اعظم عطاری

طراحی و صفحه آرایی: کانون تبلیغاتی زرین گرافیک (۰۴۵۳۳۴۲۹۰۲۳)

انتشارات: خط هشت

مرکز پخش: اردبیل ۰۹۱۴۴۵۶۶۲۵۵

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

هرگونه استفاده و بهره برداری از مطالب این کتاب با ذکر منبع آزاد

می باشد.

ISBN: 978-600-8393-92-4



مقام و منزلت خدیر
در اسلام

محمد علداری فر

فهرست

مقدمه / ۸

منزلت اول / ۱۴

واقعه غدیر خم / ۱۴

خلاصه خطبه پیامبر ﷺ در غدیر خم / ۱۷

پیام‌ها و نکته‌های آیات / ۲۳

غدیر در کتاب عزیز / ۱۹

منزلت دوم / ۲۸

سندیت واقعه غدیر خم / ۲۸

تعداد راویان واقعه غدیر در هر قرن / ۲۹

کتابشناسی منابع حدیث غدیره همراه جدول

تفاوت نقل‌ها / ۳۱

نام تعدادی از راویان مشهور و رهبران

سیاسی / ۳۵

نقد دیدگاه اهل سنت درباره حدیث غدیر / ۳۶

فهرست بعضی از استنادات حضرت علی علیه السلام

به حدیث غدیر / ۴۰

منزلت سوم / ۴۴

غدیر در سیره اهل بیت علیهم السلام / ۴۴

حدیث غدیر در معرکه صفین / ۴۵

خطبه غدیریه امیرمؤمنان علیه السلام در زمان

حکومت / ۴۵

غدیر از نگاه مولی الموحدین علیه السلام / ۴۶

استدلال ام الائمه، فاطمه زهرا علیها السلام به حدیث

غدیر: / ۴۷

استدلال امام حسن مجتبی علیه السلام / ۴۸

غدیر خم در خطبه امام مجتبی علیه السلام / ۴۸

امام حسین علیه السلام و حدیث غدیر در منی / ۴۹

امام محمد باقر علیه السلام و حدیث غدیر / ۵۰

امام صادق علیه السلام در مسجد غدیر / ۵۱

امام کاظم علیه السلام و مسجد غدیر / ۵۲

امام رضا علیه السلام و حدیث غدیر / ۵۲

منزلت چهارم / ۵۴

استدلال اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به حدیث

غدیر خم / ۵۴

استدلال جناب عمار یاسر به حدیث غدیر / ۵۴

استدلال جوانی ناشناس به حدیث غدیر / ۵۵

استدلال عمرو بن عاص به

حدیث غدیر/ ۵۵

استدلال عمر بن عبدالعزیز به حدیث غدیر/ ۵۶

❖ منزلت پنجم / ۵۸ ❖

زنان راوی غدیر/ ۵۸

حضرت زهرا علیها السلام / ۵۸

اسماء بنت عمیس / ۵۹

ام هانی بنت ابی طالب علیها السلام / ۶۰

عایشه دختر ابی بکر / ۶۱

فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب / ۶۱

همسر زید بن ارقم / ۶۱

روایات زنان تابعی و... / ۶۱

❖ منزلت ششم / ۶۴ ❖

غدیر از دید شعرا / ۶۴

❖ منزلت هفتم / ۷۶ ❖

ویژگی های غدیر خم / ۷۶

اعلان امامت در اجتماع بی مثل / ۷۷

فراوانی و انبوه حاضران / ۷۹

تحقق بیعت عمومی و همگانی / ۷۹

کیفیت والای واقعه غدیر / ۸۰

صراحت در گفتار / ۸۱

گواهی حاضران در صحنه غدیر / ۸۳

راویان و مفسران فراوان حدیث غدیر / ۸۳

غدیر و آشکار شدن توطئه‌های پنهان / ۸۷

منزلت هشتم / ۹۲

۱- امام خمینی رحمته الله علیه و غدیر / ۹۲

۲- مقام معظم رهبری و غدیر / ۹۳

منزلت نهم / ۹۷

عید غدیر خم / ۹۷

احادیث اهل بیت علیهم السلام در مورد منزلت و

عظمت عید غدیر / ۹۸

دریغ و افسوس / ۱۰۷

پیام غدیر به نسل امروز / ۱۰۹

منابع و مأخذ / ۱۱۰



مقدمه

در تاریخ اسلام وقایعی را مشاهده می‌کنیم که در ظروف و شرایط مختلفی اتفاق افتاده و دارای وجوه استدلالی متفاوتی می‌باشند که بعضی از فرق و مذاهب اسلامی از این وقایع برای مستند نمودن عقاید و ادعاهای خویش استفاده‌های زیربنایی می‌کنند تا جایی که اصل و بنیان عقیدتی بعضی از فرقه‌ها بر این وقایع استوار است و در صورت تضعیف یا مردود دانستن این وقایع، به اصل و ریشه آنها صدمات جبران ناپذیری می‌رسد.

خداوند بر تمامی پیامبرانی که مبعوث فرمود، وحی کرد که مبادا از قومشان در مقابل رسالت، اجری درخواست نمایند. زیرا این خدای متعال است که اجر انبیاء را خواهد داد.

اما این اصل در خصوص رسالت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله بدلیل

خاتمیت و اینکه بعد از حضرتش پیامبری مبعوث نخواهد گشت و دلیل رهروان طریق توحید، اهل بیت آن بزرگوار خواهد بود، به استثنا برخورد و از طرف خداوند، مودت و دوستی اقرای پیامبر، بر مسلمانان فرض و بر آن حضرت امر می شود که اجر و مزد رسالتش را دوستی نزدیکان خویش قرار دهد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱

« بگو: من برای انجام رسالتم پاداشی از شما نمی خواهم جز دوست داشتن خویشان نزدیکم.»

حسب تحقیق علامه متتبع و متبحر و بزرگ، مفخر عالم تشیع، حضرت شیخ عبدالحسین امینی (صاحب دائرة المعارف بزرگ الغدیر) رحمته الله، اجماع فریقین (شیعه و سنی) و عامه مسلمین، این آیه را در شأن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می دانند و مفسران و محدثان بزرگی را در این مجموعه نفیس خود آورده که علاقمندان جهت شناختن آنها باید به الغدیر مراجعه نمایند. از جمله ابن عباس روایت می کند که بعد از نزول این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: خویشاوندان نزدیک شما که مودت آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود علی و فاطمه و فرزندان آنان (حسن و حسین)^۲.

علی علیه السلام یار و یاور پیامبر صلی الله علیه و آله که همیشه و همه حال در حضور آن حضرت بوده و ارادت خاصی را برایشان قائل بود و متقابلاً پیامبر صلی الله علیه و آله هم عنایات ویژه ای به علی علیه السلام داشتند یکی از آنانی است که مودت و احترام آن بر تک تک مسلمانان واجب بوده و خواهد بود. بدون شک شخصیت علی بن ابی طالب علیه السلام پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ارزنده

۱- سوره ی شوری آیه ۲۳

۲- لما نزلت هذه الایه قیل: یا رسول الله من قرابتک هؤلاء الذین وجبت علینا مودتهم؟ فقال: علی و فاطمه و ابناهما. به نقل از ک « از غدیر تا عاشورا سید کاظم پرپنچی - ص. ۱۳۰ »

ترین وجودی است که پا به عرصه وجود نهاده و عالم امکان را با حضور خویش آراسته است.

شخصیت تابناک آن حضرت چنان در بلندای انسانیت می‌درخشد، که عقول بشری را در طول تاریخ، مبهوت و حیران خود کرده است. ره یافتن به ساحت قدس آن شخصیت عظیم الهی، هر چند ذائقه طبع را تحریک و واهمه عقل را تشویق می‌کند، ولی راهی است که جز به قدم عشق نتوان پیمود.

در مناقب این امام همام بسیار کتابها نوشته شده و مطالب گفته شده که این کتاب مختصر جوابگوی آنان نیست. اما یکی از وقایعی که بسیار مورد اهمیت است و مورد توجه عام و خاص می‌باشد بحث غدیر خم و جایگاه آن در بین مسلمانان مخصوصاً شیعیان است. که کوشیده‌ایم تا «جایگاه و منزلت عید غدیر خم در اسلام» را بصورت کاملاً مختصر در این کتاب بگنجانیم.

واقعه غدیر خم مهمترین موضوع تاریخ اسلام است. زیرا این واقعه مهم با تکیه بر براهین قاطع خود، مبناء و اساس مذهب میلیونها کسانی است که از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیروی می‌نمایند و از میان این انبوه عظیم مردان بزرگی برخوردار بوده و کتابهای ارزشمند منتشر کرده‌اند.

این واقعه بعدها سبب شد اختلافاتی را بخاطر وجوه مختلف استدلال و برداشت از آن در بین مسلمانان ایجاد کند، زیرا شیعه آنرا نصی در جهت امامت علی ابن ابیطالب علیه السلام می‌داند و روز غدیر خم را بعنوان عید ولایت جشن می‌گیرد و بر این نظرشان نیز دلایل متعدد عقلی و نقلی ایراد می‌کند. اما در جهت دیگر، اهل سنت و جماعت، نظری برخلاف رای شیعه داشته و با مجموعه‌ای از استدلال‌های متنوع عقلی و نقلی و با

استعانت از قواعد لغت عرب، سعی بر این دارند که ثابت نمایند که تنها این واقعه دلیل و نصی بر وجوب محبت اهل بیت و نصرت و همیاری آنها می‌باشد. بدیهی است که این مسئله دارای اهمیت و جایگاه والایی در اعتقادات و تاریخ اسلام بوده و شایسته است نسبت به نظریه هر گروه تحقیق نموده و با بررسی میزان قوت و ضعف نظریه و ادله آن به نتایج مفیدی دست یافت.

بنابراین اگر مورخ از گروه شیعه باشد، بر او واجب است که اخبار مربوط به این واقعه را به طور مفصل در اختیار هم کیشان خود قرار دهد. و اگر مورخ از این گروه نباشد باز هم بر او لازم است که در تاریخ این جمعیت بزرگ به واقعه غدیر خم اشاره نماید.

اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که واقعه تاریخی غدیر در تمام قرون و اعصار، بصورت زنده در دلها و به صورت مکتوب در اسناد و کتب بماند و در هر عصر و زمانی نویسندگان اسلامی در کتابهای تفسیر، حدیث، کلام و تاریخ از آن سخن بگویند و گویندگان مذهبی در مجالس وعظ و خطابه درباره آن داد سخن دهند و آنرا از فضایل غیر قابل انکار حضرت علی علیه السلام بشمارند. نه تنها خطبا و گویندگان، بلکه شعرا و سرایندگان بسیاری، از این واقعه الهام گرفته و ذوق ادبی خود را تأمل در زمینه این حادثه و از اخلاص نسبت به صاحبان ولایت مشتعل ساخته‌اند و عالی‌ترین قطعات را به صورت‌های گوناگون و به زبانهای مختلف از خود به یادگار نهاده‌اند. از این جهت کمتر واقعه تاریخی همچون رویداد غدیر مورد توجه دانشمندان، اعم از محدث و مفسر و متکلم و فیلسوف و خطیب و شاعر و مورخ و... قرار گرفته است و تا این اندازه درباره آن عنایت مبذول شده است. چرا که غدیر،

جاری خروشان است که از فضایل بی شمار علی علیه السلام سرچشمه می‌گیرد. به حتم اگر در میان اصحاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله کسی برتر از امیرالمؤمنین علیه السلام بود، هم‌و به این منصب افتخار می‌یافت ولی حق این است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها کسی از علی علیه السلام برتر نیست، بلکه هیچ یک از امت به پایه آن حضرت نمی‌رسد. روایتی از امام صادق علیه السلام هم داریم مبنی بر اینکه «پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود من از خدا خواسته‌ام که میان من و تو برادری برقرار کند و تو را وصی من قرار دهد و خداوند نیز این درخواست مرا اجابت نمود».^۱

فضایلی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش برای علی علیه السلام نقل شده است، بیش از همه فضایلی است که برای تمامی اصحاب گفته‌اند. این در حالی است که دست تبه‌کار سیاست، تا آنجا که در توان داشت فضایل آن حضرت را پوشاند و برای حفظ موقعیت خود، از آن حضرت بدگویی کرده است و چه رخدادها که در سب علی علیه السلام و آل علی علیه السلام گفته‌اند و با بی‌عقلی خود احساس کردند نام علی را از صحنه روزگار حذف خواهند کرد؛ اما چنین نشد و نخواهد شد.

یکی از علل جاودانی بودن غدیر، نزول دو آیه از آیات قرآن کریم درباره این واقعه است^۲ و تا روزی که قرآن باقی است این واقعه تاریخی نیز باقی خواهد بود از خاطره‌ها محو نخواهد شد.

جامعه اسلامی در اعصار دیرینه، آن را یکی از اعیاد مذهبی می‌شمردند و شیعیان، هم اکنون نیز روز هجدهم ذی الحجّه را عید غدیر خم می‌دانند و در آنروز جشن و سرور برپا می‌دارند. ریشه این

۱- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۷ به نقل از ک: اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام، استاد آقایی ص ۱۴۱
 ۲- آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده

عید اسلامی به خود روز غدیر باز می‌گردد، زیرا در آن روز پیامبر ﷺ به مهاجرین و انصار، بلکه به همسران خود دستور داد که بر علی عَلِيٍّ وارد شوند و به او در مورد چنین فضیلت بزرگی تبریک بگویند.^۱

ما قصد داریم تا مقام و منزلت عید غدیر را از جنبه‌های مختلف و با بیان گوناگون و بصورت اجمالی در این کتاب ذکر نمائیم تا در ابتدا برای خودمان و در مرتبه دوم برای دیگران این عید بزرگ شناخته شود و قدر و منزلت این روز را بدانیم هر چند به قدر «نمی» از «یمی».

ان شاء الله

محمد علمداری فر

۹۷/۶/۸

۱- به نقل از ک: فروغ ولایت، استاد جعفر سبحانی، ص ۱۴۱



منزلت اول

واقعه غدیر خم

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سال دهم هجرت برای انجام فریضه و تعلیم مراسم حج به مکه عزیمت کرد. این بار این فریضه، با آخرین سال عمر پیامبر عزیز مصادف شد و از این جهت آن را «حَجَّةُ الْوِدَاع» نامیدند. افرادی که به شوق همسفری و یا آموختن مراسم حج همراه حضرت بودند، تا صد و بیست هزار نفر تخمین زده شده‌اند.

مراسم حج به پایان رسید و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ راه مدینه را در حالی که گروه انبوهی او را بدرقه می‌کردند و جز کسانی که در مکه پیوسته بودند همگی در رکاب او بودند، در پیش گرفت. چون کاروان به پهنه بی‌آبی به نام «خم» رسیدند که در سه میلی جحفه قرار دارد، پیک وحی فرود آمد و به پیامبر فرمان توقف داد. پیامبر نیز دستور داد که همه از حرکت

باز ایستند و بازماندگان فرارسند.

کاروانیان از توقف ناگهانی و به ظاهری موقع پیامبر در این منطقه بی‌آب، آن‌هم در نیمروزی گرم که حرارت آفتاب بسیار سوزنده و زمین تفتیده بود، در شگفت ماندند. مردم با خود می‌گفتند: فرمان بزرگی از جانب خدا رسیده است و در اهمیت فرمان همین بس که به پیامبر مأموریت داده است که در این وضع نامساعد همه را از حرکت باز دارد و فرمان خدا را ابلاغ کند.

فرمان خدا به رسول گرامی طی این آیه زیرنازل شد:

«يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»^۱

«ای پیامبر آنچه را از پروردگارت بر تو فرود آمده است به مردم برسان و اگر نرسانی رسالت خدای را به جانیاورده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می‌کند.»

دقت در مضمون آیه ما را به نکات زیر هدایت می‌کند

اولاً فرمانی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ابلاغ آن مأمور شده بود آنچنان خطیر و عظیم بود که هرگاه پیامبر (بر فرض محال) در رساندن آن ترسی به خود راه می‌داد و آنرا ابلاغ نمی‌کرد رسالت الهی خود را انجام نداده بود بلکه با انجام این مأموریت رسالت وی تکمیل می‌شد. به عبارت دیگر هرگز مقصود از «ما انزل الیک» مجموع آیات قرآن کریم و دستورهای اسلامی نیست. زیرا ناگفته پیداست که هرگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مجموع دستورهای الهی را ابلاغ نکند رسالت خود را انجام نداده است و یک چنین امر

بدیهی، نیاز به نزول آیه ندارد بلکه مقصود از آن ابلاغ امر خاصی است که ابلاغ آن مکمل رسالت شمرده می‌شود و تا ابلاغ نشود وظیفه خطیر رسالت رنگ کمال به خود نمی‌گیرد. بنابراین باید مورد مأموریت یکی از اصول مهم اسلامی باشد که با دیگر اصول و فروع اسلامی پیوستگی داشته و پس از یگانگی خداوند و رسالت پیامبر مهمترین مسئله شمرده شود.

دوماً: از نظر محاسبات اجتماعی، پیامبر ﷺ احتمال می‌داد که در طریق انجام این مأموریت ممکن است از جانب مردم آسیبی به او برسد و خداوند برای تقویت اراده او می‌فرماید «والله یعصمک من الناس»^۱. چرا که وصایت و جانشینی شخصی مانند حضرت علی علیه السلام که بیش از سی و سه سال از عمر او نگذشته بود بر گروهی که از نظر سن و سال از او به مراتب بالاتر بودند بسیار گران بود. خصوصاً برای اعرابی که همواره مناصب مهم را شایسته پیران قبایل می‌دانستند و برای جوانان به بهانه اینکه بی تجربه‌اند وقعی قائل نبودند. گذشته از این، بسیاری از بستگان همین افراد که دور پیامبر ﷺ را گرفته بودند در صحنه‌های نبرد به دست حضرت علی علیه السلام کشته شده بود و حکومت چنین فردی بر مردمی کینه توز بسیار سخت خواهد بود.

ولی به رغم این زمینه‌های نامساعد، اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفت که پایداری نهضت را با نصب حضرت علی علیه السلام تضمین کند و رسالت جهانی پیامبر خویش را با تعیین رهبر و راهنمای پس از او تکمیل سازد.

آفتاب داغ نیمروز هجدهم ذیحجه بر سرزمین غدیر خم به شدت

می‌تایید و تعداد صد و بیست هزار نفر در آن محل به فرمان پیامبر خدا ﷺ فرود آمده بودند، در حالی که از گرما رداها را به دو نیم کرده، نیمی بر سر و نیم دیگر را زیر پا انداخته بودند.

در آن لحظات حساس، طنین اذان ظهر سراسر بیابان را فرا گرفت و ندای تکبیر مؤذن بلند شد. مردم خود را برای ادای نماز ظهر آماده کردند و پیامبر ﷺ نماز ظهر را با آن اجتماع پرشکوه که سرزمین غدیر نظیر آن را هرگز به خاطر نداشت، بجا آورد و سپس به میان جمعیت آمد و بر منبر بلندی که از جهاز شتران ترتیب یافته بود قرار گرفت و با صدای بلند خطبه‌ای ایراد فرمودند.^۱

خلاصه خطبه پیامبر ﷺ در غدیر خم

خطبه‌ای که رسول بزرگوار اسلام در آن مکان ایراد فرمودند بی‌نظیر و بی‌همتا بود چرا که آن سیل جمعیت در یک زمان و مکان، آن هم بعد از یک عمل زیارتی حج و از طرفی نصب جانشین بعد از پیامبر که مسئله بسیار مهم به نظر می‌رسید و از طرفی هم تمام نژادها و قبایل و... در این خطبه حضور داشتند و به فرمایشات پیامبر خود گوش می‌دادند. که ما بصورت کاملاً خلاصه آنرا ذکر می‌کنیم:

پیامبر بعد از قرار گرفتن در منبر ابتدا حمد و ثنای خداوند را بجا آورد و درباره آخرین حج ایشان و پایان عمر شریفشان سخنانی را ایراد فرمودند. سپس به دو چیز گرانبها که یکی کتاب خدا و دیگری عترت ایشان بود سفارش کرده و از مردم پیروی و دور نشدن از آن دورا خواستار شدند. در این موقع پیامبر ﷺ دست حضرت علی ع را گرفت و بالا برد

۱- به نقل از ک: فروغ ولایت، استاد جعفری سبحانی، ص ۱۳۴- با تلخیص.

تا جایی که سفیدی زیر بغل او بر همگان نمایان شد و همه حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در کنار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دیدند و او را به خوبی شناختند و دریافتند که مقصود از این اجتماع، مسئله‌ای است که مربوط به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است و همگی با ولع خاصی آماده شدند که به سخنان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گوش فرا دهند.

پیامبر فرمود: «خداوند مولای من و من مولای مومنان هستم و بر آنها از خودشان اولی و سزاوارترم. هان ای مردم، «هرکس که من مولا و رهبر او هستم، علی هم مولا و رهبر اوست.»

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این جمله را سه بار تکرار کرد و سپس افزود «لازم است حاضران به غایبان و دیگران را از این امر مطلع کنند.»

هنوز اجتماع باشکوه به حال خود باقی بود که فرشته وحی فرود آمد و به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بشارت داد که «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۱

«خداوند امروز دین خود را تکمیل کرد و نعمت خویش را بر مومنان بتمامه ارزانی داشت.»

در این لحظه صدای تکبیر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بلند شد و فرمود:

«خدا را سپاسگذارم که دین خود را به پایان رسانید و از رسالت من و ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از من خشنود شد.»

آنگاه پیامبر از جایگاه خود فرود آمد در حالیکه پیوسته می فرمود: هنتونی، هنتونی «مرا تهنیت بگوئید، مرا تهنیت بگوئید.»

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمامه سیاهش را که «سحاب» نامیده می شد و در

روزهای مخصوص آنرا به سر می بست، بدست مبارک خویش بر سر علی علیه السلام بست و دنباله آنرا از پشت سر جلوی رویش آویخت و فرمود «تاجی را که فرشتگان بر سردارند این چنین است».

سپس فرمود تا برای تبریک گفتن به حضرتش جایگاهی فراهم گردد و آنگاه خود در خیمه و چادری نشست و علی علیه السلام را هم کنار خود نشانده و مردم به بیعت با آن حضرت شتافتند و اولین کسانی که دست بیعت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام دادند ابوبکر و عمرو و طلحه و زبیر و سپس باقی مهاجرین و سائر مردم بر حسب طبقات و مراتبشان، تا اینکه نماز عصر و مغرب و عشا خواندند و تا سه روز پیوسته امر دست دادن خلق و بیعت آنها ادامه داشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بیعت هر دسته و گروهی می فرمود: «الحمد لله الذی فضلنا علی جمیع العالمین»^۱

منظور ما از آوردن داستانها و وقایع روز غدیر در این کتاب مختصر، در راستای همین تحقیق است، چرا کمتر واقعه ای دارای اینگونه مضامین و محتوا با این همه مقام و منزلت است که در خلال وقایع آورده شد. بنابراین لازم دیدیم ابتدا اصل ماوقع را نوشته تا از درون آنها مطالبی بدست آید و در مطالب بعدی راحت تر بتوانیم به آنها استناد نمائیم.

غدیر در کتاب عزیز

دوآیه از قرآن کریم که درباره داستان غدیر خم و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده^۲، تمام مفسران شیعه و سنی به دلالت این آیات بر واقعه

۱- بحار الانوار ج ۳۷ ص ۲۳۵ به نقل از ک « از غدیر تا عاشورا » - ص ۱۲۰
 ۲- الف) آیه تبلیغ: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (مائده، ۶۷). ب) آیه اکمال دین: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي (مائده، ۳).

غدیر خم اتفاق نظر دارند که برای نمونه نامهای برخی از مفسران و مآخذ ومدارک اهل سنت را می‌آوریم:

۱- واحدی در کتاب اسباب النزول ص ۱۵۰ می‌گوید:

ان آیه (یا ایها الرسول...) نزلت فی یوم غدیر فی علی بن ابیطالب.

۲- سیوطی در کتاب الدر المنثور ج ۲، ص ۲۹۸ می‌نویسد: ان آیه (یا ایها الرسول...) نزلت فی یوم غدیر فی علی بن ابیطالب.

۳- فخر رازی در تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۶۳۶ می‌فرماید:

مفسران ۱۰ وجه و سبب برای نزول این آیه بیان کرده‌اند. سپس در ادامه می‌گوید: «العاشر نزلت هذه الایه فی فضل علی بن ابی طالب، ولما نزلت هذه الایه، اخذ بیده وقال "من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فلقیه عمر فقال هنیئا لك یابن ابی طالب، اصبحت مولای و مولا كل مومن و مومنه».

آنگاه که این آیه نازل شد پیامبر اسلام ﷺ دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هرکه من مولا و سرپرست و حاکم او هستم، علی هم مولای اوست. خداوندا، دوست بدار هرکه علی را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد. سپس عمر با حضرت علی علیه السلام ملاقات کرد و بعد از تبریک، گفت: تو مولای من و مولای مرد و زن مومن هستی.

۴- نیشابوری در تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان ج ۶، ص ۱۹۴ می‌نویسد:

«ان هذه الایه نزلت فی فضل علی بن ابی طالب یوم غدیر خم.»

۵- قندوزی در نایب الموده ص ۱۲۰.

۶- آلوسی فی تفسیره، ج ۶، ص ۱۷۶.

- ۷- المنار، ج ۶، ص ۴۶۳.
- ۸- تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰.
- ۹- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.
- ۱۰- شبلنجی در نور الابصار، ص ۷۵.
- ۱۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۸۱.
- ۱۲- نسائی در خصائص، ص ۲۲.
- ۱۳- عقد الفرید، جزء ۳، ص ۳۸.
- ۱۴- سیوطی در تاریخ خلفاء، ص ۶۵.
- ۱۵- اسعاف الراغبین، ص ۱۵۱.
- ۱۶- مصابیح السنه، ج ۲، ص ۲۲۰.
- ۱۷- حلیه الاولیاء، جزء ۴، ص ۲۳.
- ۱۸- نثر الیالی، ص ۱۶۶.
- ۱۹- تاریخ بغدادی، خطیب نیشابوری، جزء ۷، ص ۳۷۷.
- ۲۰- واحدی در اسباب النزول، ص ۱۵۰.
- ۲۱- فخرالدین رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰.
- ۲۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹۳.
- ۲۳- ترمذی، در صحیح خود، ج ۲، ص ۲۹۷.
- ۲۴- ابن کثیر در بدایه و النهایه، ج ۵.
- ۲۵- خطیب النیشابوری در تاریخ بغدادی، ج ۸، ص ۲۹۰ می نویسد:
«... فقال عمر بن الخطاب بخ بخ لك يا ابن ابي طالب اصبحت مولای
ومولا كل مسلم فانزل الله "اليوم اكملت لكم دينكم"»

۲۶- سیوطی در درالمنثور در ذیل آیه ج ۲ می نویسد:

«لما نصب رسول الله ﷺ علياً يوم غدیر خم فنادی له بالولاية هبط جبرئیل بهذه الایه "اليوم اكملت..."»

۲۷- در فرائد السمطين، باب ۱۲ چنین می خوانیم:

«...ثم لم يفرقوا حتى نزلت هذه الایه "اليوم اكملت" فقال رسول الله ﷺ الله اكبر على اكمال الدين واتمام النعمه ورضاء الرب برسالتی والولاية "على علياً" من بعدی ثم قال "من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله»

روز غدیر، پیامبر ﷺ مردم را به سوی حضرت علی ﷺ فراخواند و دست حضرت را بلندکرد، به طوری که زیر بغل حضرت پیدا شد. هنوز مردم متفرق نشده بودند که آیه «اليوم اكملت...» نازل شد. سپس حضرت فرمود: پروردگارا، دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن دارد و یاری کن هر که علی را یاری کند و...

۲۸- شان نزول آیه فوق و داستان های مربوط به غدیر در مناقب خوارزمی، ص ۸۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲؛ شبلنجی در نورالابصار، ص ۷۵، فصول المهمه ابن صباغ نیز ذکر شده است.^۱

با این حال علمای اهل سنت ناچارند که این آیه را تأویل های دیگری کنند تا کرامت اصحاب محفوظ بماند!! وگرنه اگر اعتراف کنند که این آیه در روز غدیر خم نازل شده پس ناچار به ولایت حضرت علی بن ابیطالب ﷺ اقرار کرده اند و پذیرفته اند که خداوند دین را با این ولایت

۱- برگرفته از ک: برکناره های کتاب «الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب» غلام حسین زینلی

کامل کرده و نعمتش را بر مسلمانان تمام نموده و دیگر خلافت خلفای سه‌گانه نقش بر آب می‌شود و عدالت اصحاب کم و زیاد می‌گردد و مکتب و اجتهاد در آن پا در هوا می‌شود و بسیاری از احادیث مانند نمک در آب ذوب می‌شوند و روسای مذاهب و پیشوایان، زیر سوال می‌روند و بسیاری از اسرار و مسائل پشت پرده رو می‌شود و نقاب‌های دروغین پس می‌رود. و این حق آنان است که رسوا شوند. چرا که حقایق را مخفی نمودند و آیه را به غیر معنای اصلی‌اش تأویل نمودند. اما به فضل پروردگار عالم و عنایت امیرالمومنین علی علیه السلام در این تحقیق کوتاه مدارکی را از علمای شیعه و سنی مخصوصاً از اهل سنت، ذکر خواهیم نمود تا آبروی کذایی آنهایی که کمر همت بسته‌اند تا موضوع غدیر را با ابهام بیان کنند خدشه دار گردد.

پیام‌ها و نکته‌های آیات

دو آیه‌ای که ذکر شد، هر دو بدون شک در ارتباط با واقعه غدیر خم می‌باشد، اما این آیات دارای نکته‌ها و پیام‌های مهمتر دیگری نیز هستند که بصورت اجمالی و تیتروار ذکر می‌شود:

آیه شصت و هفتم سوره مائده در میان دو آیه‌ای قرار دارد که مربوط به اقامه کتاب آسمانی است و شاید اشاره به این باشد که میان رهبر معصوم و اقامه کتاب آسمانی پیوند محکمی برقرار است و امام است که میتواند کتاب آسمانی را برپا دارد و این کتاب خداست که می‌تواند امام واقعی را معرفی کند و امام علی علیه السلام همان فرد است که در روز غدیر معرفی گردید.

در تمام قرآن تنها در این آیه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به کتمان

پیام، تهدید شده که اگر نگویی، تمام آنچه در طول ۲۳ سال رسالت گفته‌ای هدر می‌رود. پس باید دید چه پیام مهمی است که این گونه بیان شده است؟

سوره مائده در اواخر عمر شریف پیامبر ﷺ نازل شده است و بجای «یا ایها النبی» تعبیر «یا ایها الرسول» آمده است که نشانه یک رسالت مهم است.

به جای فرمان «ابلاغ» فرمان «بلغ» آمده که نشانه ابلاغ قطعی و رسمی و مهم است.

رسول خدا از عواقب کاری هراس دارد که خداوند او را دلداری می‌دهد که ما تو را از شرم مردم نگه می‌داریم. (علت هراس پیامبر را قبلاً ذکر نمودیم)

محتوای پیام باید مسأله‌ای اساسی باشد که به لحاظ اهمیت، با همه پیامها برابر بلکه با اهمیت تر از آنهاست که اینطور تهدید و دلداری می‌دهد.

پیام آیه در مورد توحید و معاد و نبوت نیست چون این اصول، در روزهای اول بعثت در مکه بیان شده و نیازی به این همه سفارش در اواخر عمر آن حضرت ندارد و از طرفی برای تبلیغ این اصول نیاز به ترس و هراس نبود زیرا که در روزگار تنهایی که با بته‌ها مبارزه می‌کرد، در حالی که سنگبازان می‌شد، از چیزی نترسید. پس باید مسئله از این اصول هم مهم‌تر یا در ردیف آنان باشد.

انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «بلغ ما انزل الیک من ربک».

گاهی ابلاغ پیام الهی باید در حضور مردم و با بیعت گرفتن باشد،

اما در این مورد (رساندن ولایت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ) سخن گفتن کافی نیست بلکه باید با عمل باشد. «وان لم تفعل» به جای «ان لم تبلغ». اگر رهبری صحیح نباشد مکتب نابود و امت گمراه میشوند. «فما بلغت رسالته»

رکن اصلی اسلام امامت، حکومت و ولایت است. «وان لم تفعل فما بلغت رسالته»

انکار ولایت و امامت نوعی کفر است. «ان الله لا يهدى القوم الكافرين» (که در آخر همین آیه می باشد).

آیه سوم سوره مائده که دقایقی بعد از ابلاغ ولایت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شد نیز بر واقعه غدیر خم دلالت دارد چرا که غدیر خم تنها روزی است که برای آن روز چهار عنوان ذکر میکند «روز اکمال دین»، «روز تمام دین»، «روز یأس کافران»، «روز رضایت خداوند».

اگر یکی از این موارد فوق به تنهایی در یکی دیگر از روزها اتفاق می افتاد، کافی بود تا آن روز را یوم الله بنامند تا چه رسد به روزی مثل غدیر که همه این ویژگی ها را یک جا دارد. و این حکایت از ارزش ولایت این عید فرخنده در بین مسلمین دارد.

در آیه ۱۵۹ سوره بقره، تمایل کفار نسبت به انحراف مسلمانان از راه خودشان مطرح شده است. خداوند فرمان داد: شما اغماض کنید تا امر الهی برسد. پس مسلمانان منتظر حکم قاطعی بودند که کفار را مأیوس سازد، تا اینکه آیه «الیوم یئس الذین کفروا من... الیوم اکملت...» نازل شد.

مهمترین روزنه امید کفار مرگ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که با تعیین حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به رهبری، آن روزنه بسته شد. چرا که کفار بر این عقیده بودند

که بالاخره یک روز پیامبر ﷺ از دنیا می‌رود و با رفتن او آیین او هم به تدریج رنگ می‌بازد و جامعه به حالتی که قبلاً بود برمی‌گردد. ولی با مسئله تعیین امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) همه نقشه‌ها و آرزوهای خصمانه دشمنان اسلام نقش بر آب شد... «الیوم یئس...»^۱

اگر مسلمانان از خط رهبری غدیر دست برنمی‌داشتند هیچ خطری از سوی کفار متوجه آنان نمی‌شد. «فلا تخشوهم»

کفار از دینی که رهبرش تسلیم، جهادش تعطیل، منابعش تاراج و مردمش متفرق باشند، نمی‌ترسند بلکه از دین کامل می‌ترسند که هیچ کدام از آنها در رهبری غدیر نبود. «الیوم یئس... الیوم اکملت...»

دین بدون رهبر کامل نبوده و قوام مکتب به رهبری صحیح است «الیوم اکملت لکم دینکم»

همه نعمتها با رهبری الهی کامل می‌شود و نصب علی (علیه‌السلام) به امامت اتمام نعمت است «اتمتت علیکم نعمتی»

اسلام بدون رهبری صحیح مورد رضای خداوند نیست. «الیوم... رضیت لکم الاسلام»^۲.

نکته جالب دیگر که قابل توجه می‌باشد، این است که خداوند در سوره نور آیه ۵۵ چنین می‌فرماید: «خداوند به آنهایی که از شما ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آنها را خلیفه در روی زمین قرار دهد همانطور که پیشینیان آنان را چنین کرد و نیز وعده داده آئینی را که برای آن پسندیده است مستقر و مستحکم گرداند و بعد

۱- نسیم حیات، ج ۶، ابوالفضل بهرام پور، ص ۲۱۳، با تلخیص و اضافات

۲- تفسیر نور، ج ۳، محسن قرآنی، ص ۳۱

از ترس به آنها آرامش بخشد».^۱ در این آیه خداوند می‌فرماید آئینی را که برای آنها پسندیده در روی زمین مستقر می‌سازد، با توجه به اینکه سوره نور قبل از سوره مائده نازل شده است و با توجه به جمله «رضیت لکم الاسلام دیناً» (آیه سوم سوره مائده) که درباره ولایت علی ع نازل شده، چنین نتیجه می‌گیریم که اسلام در صورتی در روی زمین مستحکم و ریشه‌دار خواهد شد که با ولایت توأم باشد، زیرا این همان اسلامی است که خدا پسندیده و وعده استقرار و استحکامش را داده است، و به عبارت روشن‌تر اسلام در صورتی عالم‌گیر می‌شود که از مسئله ولایت اهل بیت جدا نگردد.^۲

۱- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»
 ۲- تفسیر نمونه، ج ۴، مکارم شیرازی، ص ۲۶۸



منزلت دوم

سندیت واقعه غدیر خم

داستان غدیر خم از جمله حقایق مسلم و غیر قابل تردید است که به حدّ اجماع امت اسلامی، از تشیع و تسنن رسیده است، و بارها مورد احتجاج و سوگند قرار گرفته است. این حقیقت موجب شده تا مخالفان غدیر، در برابر سند حدیث غدیر سر تسلیم فرود آورند و به ناچار به آن تن دهند و چون نتوانسته‌اند در سند آن خدشه‌ای وارد سازند، در دلالت آن به چون و چرا پرداخته‌اند؛ اما باب هرگونه چون و چرا بر روی آنان بسته و راهی جز تسلیم در برابر مفاد حدیث غدیر، فرا روی آنان وجود ندارد.

امامان معصوم علیهم‌السلام، همواره به این واقعه مهم استدلال می‌کردند و پس از آنان، علما و بزرگان دین در بزرگداشت این واقعه مهم کوشیده

اند. و جالب اینکه جمع زیادی از دانشمندان اهل سنت واقعه غدیر را در آثار و نوشته‌های خود منعکس نموده، و گروهی از آنان، تألیفات مستقلی در این باره از خود بر جای نهاده‌اند.

تاریخ نشان می‌دهد، نخستین بار در همان روز غدیر درباره این حادثه و فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام بحث و گفتگو شده است. حسان بن ثابت انصاری اولین کسی است که درباره ولایت امام علی بن ابی طالب علیه السلام شعر سروده، و آن را در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و در اجتماع با شکوه روز غدیر خوانده است.

و از آن تاریخ تا کنون همواره غدیرشناسی ادامه یافته و از روند تکاملی نیز برخوردار بوده است. و همواره این حدیث در آثار، ثبت و ضبط می‌شده است.

تعداد راویان واقعه غدیر در هر قرن

مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر خود نام راویان حدیث غدیر را به ترتیب زمان زندگی ذکر کرده است که جمعاً تعداد ۵۵۷ نفر راوی ثبت شده وجود دارد:

در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۱۰ نفر.

در میان تابعین ۸۴ نفر

در میان علمای قرن دوم هجری ۵۷ نفر

در میان علمای قرن سوم هجری ۹۳ نفر

در میان علمای قرن چهارم هجری ۴۳ نفر

در میان علمای قرن پنجم هجری ۲۴ نفر

در میان علمای قرن ششم هجری ۲۰ نفر
در میان علمای قرن هفتم هجری ۲۲ نفر
در میان علمای قرن هشتم هجری ۱۸ نفر
در میان علمای قرن نهم هجری ۱۶ نفر
در میان علمای قرن دهم هجری ۱۴ نفر
در میان علمای قرن یازدهم هجری ۱۲ نفر
در میان علمای قرن دوازدهم هجری ۱۳ نفر
در میان علمای قرن سیزدهم هجری ۱۲ نفر
در میان علمای قرن چهاردهم هجری ۱۹ نفر

کتابشناسی منابع حدیث غدیر به همراه جدول تفاوت نقل ها

<p>الكتاب المصنف في الاحاديث والآثار، ح ٣٢٠٦٣، ٣٢٠٦٤، ٣٢٠٦٩؛ مسند احمد، ج ١، ص ٨٤ و ١٥٢ و ج ٥، ص ٣٤٧ و ٣٦٦؛ التاريخ الكبير، ح ١١٩١، ٢٤٥٨، ٢٢٧٧؛ سنن ابن ماجه، ح ١٢١، ح ١٢١؛ سنن الترمذی، ح ٣٧٣٣؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٧؛ السنه للشيباني، ص ٥٩٠-٥٩٣ (١٧ روایت)؛ فضائل الصحابه، ح ٤٢؛ السنن الكبرى، ح ٨١٤٥؛ خصائص امير المؤمنين، ح ١٢، ٨١، ٨٢، ٨٣، ٨٥؛ التصنيف الفقهي لاحاديث كتاب «الكنى والالقب»، ١٥٣٣، ١٥٣٤؛ السنه للخال، ح ٤٥٨، ٤٦١، ٤٦٢؛ كتاب التوحيد، ج ١، ص ٧٤؛ مشكل الآثار، ج ٢، ص ٣٥٧؛ معجم الصحابه، ج ١، ص ١٩٩؛ كتاب الفوائد، ح ١١٨؛ المعجم الكبير، ح ٣٠٤٩، ٤٥٥٢، ٤٩٨٦، ٥٠٧١، ٥٠٩٦، ١٢٥٩٣ و ج ١٩، ح ٦٤٦؛ المعجم الاوسط، ح ٣٤٨، ٢١٣٥، ٢١٣١، ٦٨٧٨، ٨٤٢٩؛ المعجم الصغير، ج ١، ص ٧١؛ الشريعه، ح ١٥٧١، ١٥٧٣، ١٥٧٧، ١٥٧٩، ١٥٩٩؛ الكامل في ضعفاء الرجال، ج ٣، ص ٨٥ و ج ٤، ص ١٢ و ج ٥، ص ١٢٢ و ج ٦، ص ٨٢، ٣٨١، ٤١٣؛ المستدرک علی الصحيحين، ج ٣، ص ١١٥</p>	<p>من كنت مولاه فعليّ مولاه</p>
<p>مسند احمد، ج ٤، ص ٣٦٨؛ المعجم الكبير، ح ١٥٧٨، ١٥٧٢؛ الشريعه، ح ١٥٧٢، ١٥٧٨</p>	<p>ف من كنت مولاه فعليّ مولاه</p>
<p>مسند احمد، ج ١، ص ٣٣١؛ المستدرک، ج ٣، ص ١٣٤</p>	<p>من كنت مولاه فان مولاه عليّ</p>

من كنت مولاه فان هذا مولاه	مسند احمد، ج ٥، ص ٤١٩
ف من كنت مولاه فان هذا مولاه	المعجم الكبير، ح ٥٠٧٠، السنه للشيباني، ح ١٣٦١
اللهم من كنت مولاه فان هذا مولاه	مشكل الآثار، ج ٢، ص ٣٠٨؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٨
ف من كنت وليه فهذا وليه	السنه للشيباني، ح ١٣٦٧؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٩
فاني من كنت مولاه فعلى مولاه	التصنيف الفقهي لاحاديث كتاب «الكنى والالقب»، ح ١٥٣٢؛ خصائص، ص ١٠٠، ح ٨٤
من كنت وليه فعلى وليه	مسند احمد، ج ٥، ص ٣٥٨، ٣٦١؛ الكتاب المصنف، ح ٣٢٠٥٦؛ صحيح ابن حبان، ح ٦٩٣٠؛ كتاب المعجم، ح ٢٢٢؛ المعجم الكبير، ح ٤٩٦٨، ٥٠٥٨؛ الكامل فى ضعفاء الرجال، ج ٢، ص ٣٦٢؛ السنه للشيباني، ص ٥٨٩؛ فضائل الصحابه، ح ٤١؛ خصائص، ح ٨٠؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٧
ف من كنت وليه فهذا وليه	السنه للشيباني، ح ١٣٦٧؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٩
من كنت وليه فعلى فان علياً وليه	المستدرک، ج ٢، ص ١٣٠؛ مسند الرويانى، ح ٦٢؛ البحر الزخار، ح ١٢٠٣

<p>المصنف لابن ابي شيبة، ح ۳۲۰۸۲، ۳۲۰۸۳؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۲۸۱ و ۳۷۰؛ انساب الاشراف، ص ۸۵۹؛ نوادر الاصول، ج ۱، ص ۲۸۹ (اصل ۲۳۹)؛ خصائص، ح ۸۸ و ۹۳؛ مسند ابي يعلى الموصلى، ح ۶۴۲۳؛ كتاب الفوائد، ح ۱۲۶؛ المعجم الكبير، ح ۴۰۵۳، ۴۹۸۳، ۴۹۹۶، ۵۰۶۵، ۵۰۶۶، ۵۰۶۹؛ المعجم الاوسط، ح ۱۱۱۵، ۲۲۷۵، ۶۲۲۸؛ المعجم الصغير، ج ۱، ص ۶۵؛ الشريعة، ح ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۳؛ الكامل فى ضعفاء الرجال، ج ۵، ص ۳۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۳۷۱</p>	<p>من كنت مولاه فعلىّ مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه</p>
<p>المعجم الكبير، ح ۴۰۵۹؛ الكامل فى ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۲۵۶</p>	<p>من كنت مولاه فعلىّ مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصره وانصره واعن من اعانه</p>
<p>المعجم الكبير، ح ۴۹۶۹؛ انساب الاشراف، ص ۸۵۸</p>	<p>من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه</p>
<p>المعجم الكبير، ح ۳۰۵۲، ۵۱۲۸</p>	<p>فمن كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه</p>
<p>البحر الزخار، ح ۶۳۲</p>	<p>اللهم من كنت مولى له فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه</p>
<p>المعجم الكبير، ح ۵۰۹۲</p>	<p>من كنت مولاه فان علياً مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه</p>
<p>المسند الشاشى، ح ۱۰۶</p>	<p>من كنت مولاه فعلىّ مولاه اللهم عاد من عاداه ووال من والاه</p>
<p>مسند احمد، ج ۴، ص ۳۷۲</p>	<p>فمن كنت مولاه فان علياً مولاه اللهم عاد من عاداه ووال من والاه</p>
<p>السنن الكبرى، ح ۸۱۴۸؛ فضائل الصحابه، ح ۴۵، خصائص، ح ۷۹</p>	<p>من كنت وليّيه فهذا وليّيه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه</p>

خصائص، ح ۹۸ و ۱۵۷	من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره
خصائص، ح ۹۵	من كنت وليه فهذا وليه وان الله يوالى من والاه ويعادى من عاداه
الشريعة، ح ۱۵۸۵	من كنت وليه فعلى وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه
مشكل الآثار، ج ۲، ص ۳۰۸	اللهم من كنت مولاه فان علياً مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه واحب من احبه وابغض من ابغضه واعن من اعانه وانصر من نصره واخذل من خذله
الشريعة، ح ۱۵۸۲	فان هذا مولاه من كنت مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه
خصائص، ح ۹۶	من كان الله ورسوله وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه

علت اینکه روایات زیاد نقل شده و متن احادیث نیز تقریباً مختلف است به خاطر این است که در هنگام نقل احادیث و روایات، مردم آنرا نسخه برداری نمی‌کردند که همانجا بنویسند بلکه به ذهنشان می‌سپردند. طبعاً آن جمله‌ای از این حدیث که بیش از هر جمله دیگر به یاد افراد می‌ماند آنجایی است که اسم علی علیه السلام برده شده است.^۱

نام تعدادی از راویان مشهور و رهبران سیاسی

راویان دیگری نیز وجود دارند که در کتابهای مختلف خود به حدیث غدیرخم اشاره کرده‌اند و تعداد آنان بیش از آنست که ما بتوانیم در اینجا بگنجانیم. از جمله رهبران سیاسی بعضی مذاهب مانند:

۱. ابو عبدالله محمد بن ادريس شافعی (م ۲۰۴ هـ.ق)، امام شافعیه
 ۲. ابو عبدالله احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ هـ.ق)، پیشوای حنبلیان
 ۳. حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ هـ.ق)، مؤلف «صحیح بخاری»
 ۴. حافظ ابو عبدالله ابن ماجه (م ۲۷۱ هـ.ق) صاحب «سنن ابن ماجه»
 ۵. ابو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبه دینوری (م ۲۷۶ هـ.ق) و...
همچنین راویان معروفی از جمله:
- «ابن عقده» (الولایه فی طرق حدیث الغدیر)،
 «ابوبکر تمیمی جعابی» (من روی حدیث غدیرخم)،
 «ابن انباری واسطی» (طرق حدیث الغدیر)،
 «ابو غالب احمد بن محمد ززاری» (جزء فی خطبه الغدیر)،
 «ابوالفضل محمد بن عبد الله شیبانی» (من روی حدیث غدیرخم)،
 «حافظ دارقطنی» (جزء فی طرق حدیث الغدیر)
 «شیخ محسن بن حسین بن احمد نیشابوری» (بیان حدیث الغدیر)،
 «علی بن عبدالرحمان بن عیسی عروه الجراح» (طرق خبر الولایه)،

«ابو عبد الله حسین بن عبید الله غضائری» (کتاب یوم الغدیر)،
 «حافظ ابو سعید مسعود بن ناصر بن ابی زید سجستانی» (الدرایه فی
 حدیث الولایه)،

«ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی» (عده البصیر فی حج
 یوم الغدیر)،

«علی بن بلال» (حدیث الغدیر)،

«شیخ منصور اللائی رازی» (حدیث الغدیر)

«شیخ علی بن حسن طاطری» (کتاب الولایه؛ فضائل امیر المؤمنین،
 «ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله حسکانی» (دعاه الهداه الی اداء حق
 المولاه)

«شمس الدین محمد بن احمد ذهبی» (طرق حدیث الولایه)

«شمس الدین محمد بن محمد جزری دمشقی» (أسنی المطالب فی
 مناقب علی بن ابی طالب)،

...و.

که در مورد تألیفات صورت گرفته در این قرون، علاقمندان میتوانند
 به کتاب الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۶ رجوع نمایند.

نقد دیدگاه‌های اهل سنت درباره حدیث غدیر

در کتاب «احقاق الحق» فهرستی از چهارده نفر از علمای عامه (از
 جمله: سیوطی، جزری، جلال الدین نیشابوری، ترکمانی ذهبی) و
 پنجاه مصدر معتبر عامه (از جمله: سنن المصطفی، مسند احمد،

خصائص نسائی، عقد الفرید، حلیه الاولیاء) نقل می‌شود. که همگی به تواتر حدیث غدیر اعتراف نموده اند.^۱

ابن حزم در «منهاج السنه» نیز چنین گفته است.^۲
 اکنون نظر برخی از اعظام اهل سنت درباره حدیث غدیر را در اینجا ذکر می‌کنیم:

ضیاء الدین مقبلی می‌گوید: فان لم یکن هذا معلوما فی الدین معلوم^۳ اگر حدیث غدیر قطعی نیست پس هیچ چیز قطعی در دین وجود ندارد.

غزالی گفته است: و اجمع الجماهیر علی متن الحدیث من خطبته فی یوم غدیر خم باتفاق الجمیع^۴ جمهور مسلمین اجماع دارند بر متن حدیث غدیر.

بدخشی می‌گوید: و هذا حدیث صحیح مشهور، و لم یتکلم فی صحته الا متعصب جاحد لا اعتبار بقوله^۵، حدیث غدیر، حدیث صحیحی است که کسی درباره صحت آن اشکال نمی‌کند مگر تعصب انکارگر که به سخن او اعتنایی نمی‌شود.

آلوسی می‌نویسد: حدیث غدیر، حدیث صحیحی است که نزد ما ثابت شده است و هیچ مشکلی در آن نیست و هم از رسول خدا ﷺ و هم از خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) به صورت متواتر نقل شده است.^۶

۱- احقاق الحق، ج ۲، ص ۴۲۳ والمستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۱۰

۲- الغدیر فی الکتاب والسنه والأدب، علامه امینی، ج ۱، ص ۳۲۰

۳- ابحاث المسدده، ص ۱۲۲

۴- سرالعالمین، ص ۹

۵- نزل الأبرار بما صح فی مناقب اهل البيت الاطهار، ص ۲۱

۶- روح المعانی - ج ۶ - ص ۶۱

حافظ اصفهانی گفته است: حدیث غدیر، حدیث صحیحی است که صد نفر از صحابه آن را نقل کرده‌اند که «عشره مبشره» از جمله این صد نفرند.^۱

حافظ سجستانی حدیث غدیر را از صدویست نفر از صحابه نقل نموده است و حافظ ابن العلاء همدانی آن را از صدوپنجاه طریق روایت نموده است.^۲

حافظ ابن حجر عسقلانی در «تهذیب التهذیب» ضمن بیان برخی از روایان حدیث غدیر و برخی طرق آن می‌گوید: ابن جریر طبری اسناد حدیث غدیر را در یک کتاب گردآورده و آن را صحیح شمرده است، و ابوالعباس ابن عقده نیز آن را از طریق هفتاد نفر از صحابه یا بیشتر روایت نموده است.^۳

در کتاب «فتح الباری بشرح صحیح البخاری» آمده است: حدیث «من كنت مولاة فعلی مولاة» را ترمذی و نسائی نقل نموده‌اند و طرق و سندهای آن بسیار است جدّاً، که همه آنها را ابن عقده در کتابی مستقل آورده است و بسیاری از سندهای آن صحیح و حسن است و برای ما از امام احمد حنبل روایت کرده‌اند که گفته است: آنچه درباره فضایل علی علیه السلام به ما رسیده است درباره هیچ یک از صحابه نرسیده است.^۴

قندوزی حنفی پس از نقل حدیث غدیر از طرق بسیار و از کتب

۱- عشره مبشره: ده نفرند که بنا به عقیده اهل سنت، پیامبر به طور قطع آنان را اهل بهشت دانسته و بدانان بشارت بهشت داده است.

۲- الغدیر، ج ۱، ص ۳۱۴

۳- تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۲۸۸

۴- فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، بیروت، ج ۷، ص ۶۱

مختلف می‌نویسد: محمد بن جریر الطبری صاحب تاریخ، حدیث غدیرخم را از هفتاد و پنج طریق نقل کرده است و کتاب مستقلی به نام «الولایه» درباره آن تألیف نموده است.

همچنین ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید بن عقده در تألیف مستقلی آن را از یکصد و پنجاه طریق نقل نموده است.^۱

حافظ محمد بن محمد بن محمد الجزری الدمشقی به هنگام نقل احتجاج و مناشده امیرالمؤمنین علیه السلام، درباره حدیث غدیر چنین می‌نگارد: این حدیث حسن است و این روایت (مناشده) به صورت متواتر از علی علیه السلام نقل شده است، همان گونه که آن (حدیث غدیر) نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متواتراً نقل شده است و گروه بسیاری از گروه بسیاری دیگر آن را نقل کرده‌اند، پس اعتنایی به سخن آنان که قصد تضعیف این روایت را دارند نمی‌شود؛ زیرا آنان از علم حدیث اطلاعی ندارند.^۲

حدیث غدیر را بخاری و مسلم در صحیحشان نیاورده‌اند، ولی این مسئله به هیچ وجه موجب اشکالی در سند روایت غدیر نمی‌شود؛ زیرا تعداد روایاتی که حتی به نظر خود بخاری و مسلم نیز صحیح است (صحیح علی شرط الشیخین) و هیچ شکی در آنها نیست ولی در «صحیح بخاری و مسلم» نیامده است، اندک نیست، و از همین روی چندین مستدرک بر آنها نگاشته شده است. اگر تمامی روایات صحیح در «صحیح بخاری» گرد آمده بود، به صحاح دیگر نیازی نبود، در حالی که همه می‌دانند هیچ دانشمند محقق و منصفی نیست که خود را با داشتن «صحیح بخاری» یا «صحیح بخاری و مسلم»، از

۱- ینابیع الموده، قندوزی، ج ۱، ص ۳۵

۲- اسمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب، ص ۲۲

دیگر کتب صحاح بی نیاز بدانند.

از طرفی دیگر، خود بخاری و مسلم نیز بیان کرده‌اند که آنچه را در این کتاب آورده‌ایم صحیح است، نه اینکه تمام روایات صحیح را بیان کرده‌ایم، بلکه بسیاری از احادیث صحیح را بنا به عللی نیاورده‌ایم.^۱ اضافه بر تمام این مطالب، علامه امینی رحمته الله علیه روایت غدیر را از بیست و نه نفر از مشایخ بخاری و مسلم نقل می‌کند.^۲

فهرست بعضی از استنادات حضرت علی علیه السلام به حدیث غدیر

در این بخش برآنیم تا قسمتی از استنادات امیرالمومنین علی علیه السلام به حدیث غدیر که در زمانها و مکانهای مختلفی ایراد شده را بصورت تیتروار - جهت اثبات منزلت این یوم - ذکر نماییم. همچنین جهت جلوگیری از اطاله کلام، از آوردن اصل خطبه‌ها و یا داستانها و... خودداری نموده و با دادن منابع و مأخذ، علاقمندان را جهت مطالعه بیشتر دعوت می‌نمائیم.

۱- طولانی‌ترین کلامی، که پیرامون غدیر خم و عظمت آن، از حضرت علی علیه السلام نقل شده است، خطبه‌ای است که در جمعه‌ای که با سالگرد غدیر خم مصادف بود در کوفه ایراد شده است.

شیخ طوسی در صفحه ۷۵۲ مصباح المتعجد این خطبه را بطور کامل آورده است و علامه مجلسی در جلد ۹۷ بحار الانوار آن را از

۱- رک: صحیح المسلم بشرح النوری، ج ۱، ص ۲۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳
 ۲- الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۳۲۰، برگرفته شده از مقاله ماهنامه کوثر، نقد دیدگاه‌های اهل سنت درباره حدیث غدیر، سید محمود مدنی

«مصباح الزائر» سید بن طاووس نقل می‌کند.

۲ - امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ای، که در قالب نظم برای معاویه فرستاد، به حدیث غدیر تصریح کرده است. کتابهای زیر بخشی از منابعی است که این ابیات در آنها دیده می‌شود:

(الف) الفصول المهمه، ابن الصباغ المالکی، ص ۱۵.

(ب) تذکره الخواص، ابن الجوزی، ص ۱۰۳.

(ج) فوائد السمطين، حموی، ج ۱، ص ۴۲۷.

(د) الفصول المختاره، شیخ مفید، ج ۲، ص ۷۰.

(و) الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳ - همچنین اشعار بسیار زیبایی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است، که امام علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش به حدیث غدیرخم تمسک جسته است.

این اشعار در صفحه ۷۸ ینابیع الموده قندوزی حنفی، صفحه ۵۴۰ دیوان منسوب به امیرالمؤمنین و صفحه سی و دو جلد دوم الغدیر نقل شده است.

۴ - حضرت علی علیه السلام در مجلسی که انس بن مالک، براء بن عازب، اشعث بن قیس و خالد البجلی حضور داشتند، خطبه‌ای ایراد کرد و از این چهارتن خواست که بردستی حدیث غدیر گواهی دهند. ولی هر چهارتن به خاطر ملاحظات سیاسی از ادای شهادت خودداری کردند. حضرت درباره هر یک آنها دعایی کرد که به اجابت رسید.

شیخ صدوق رحمته الله علیه در کتابهای «الخصال» و «امالی» خود از این واقعه یاد کرده است. این مطلب در جلد دوم، مناقب آل ابی طالب ج ۲ و

جلد ۳۱ و بحار الانوار نیز نقل شده است.

۵ - داستان نفرین حضرت درباره کسانی که حدیث غدیر را کتمان کردند در منابع معتبر بسیار آمده است. انساب الاشراف، اسد الغابه، مسند احمد، و البدایه و النهایه بخشی از راویان این واقعه شمرده می‌شوند.

۶ - امیر مؤمنان علی علیه السلام در روایتی طولانی هفتاد فضیلت ویژه خود را بیان کرده، در ضمن آنها از حادثه غدیر خم نیز سخن گفته است. این روایت را شیخ صدوق رحمته الله علیه در جلد دوم کتاب خصال آورده است.

۷ - همچنین در صفحه ۱۶۶ کتاب بشاره المصطفی حادثه غدیر و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز از زبان علی علیه السلام نقل شده است.

۸ - حضرت علی علیه السلام هنگام عزیمت به سوی شام برای جنگ با معاویه، در یکی از منازل بین راه، خطبه‌ای نسبتاً طولانی ایراد کرد، او ضمن تشویق یارانش به جهاد در راه خدا، به حدیث غدیر استناد جست و مردم را به اطاعت از خود دعوت کرد.

این خطبه را شیخ مفید رحمته الله علیه در جلد اول کتاب ارشاد، طبرسی در جلد اول الاحتجاج و علامه مجلسی بحار الانوار در جلد ۳۲ و ۳۴ نقل کرده‌اند.

۹ - قضیه معمم شدن امیر مؤمنان علی علیه السلام به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر، از مواردی است که حضرت پیرامون غدیر خم صحبت کرده است.

ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمه» این کلام حضرت را نقل کرده است. علامه امینی در جلد اول الغدیر از چندین منبع دیگر اهل سنت نام برد که این حدیث را نقل کرده‌اند.

۱۰ - حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در جواب سؤال کسی که گفت: مهمترین فضیلت خود را از زبان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان کنید، به حادثه غدیر و وجوب ولایت خود اشاره می‌کند.

این روایت را طبرسی در جلد اول کتاب احتجاج نقل کرده است. کتاب سلیم بن قیس و جلد چهارم بحارالانوار نیز از منابع این حدیث شمرده می‌شود.

۱۱ - حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام، در توضیح حدیث «ان حدیثنا اهل البیت صعب مستصعب»، حدیث غدیر را بیان کرده، از آزمون مؤمنان در این مسیر سخن گفته است.

این روایت در صفحه ۵۵ تفسیر فرات کوفی و نیز جلد ۲۵ بحارالانوار دیده می‌شود.

۱۲ - ابن عساکر شافعی در جلد دوم تاریخ دمشق به طرق مختلف حدیث غدیر را از زبان علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است. همچنین ابن مغزلی شافعی در صفحه ۲۱ کتاب «المناقب»، ابن کثیر در جلد پنجم البدایه و النهایه و هیثمی در جلد نهم مجمع الزوائد سخنان حضرت را نقل کرده‌اند.



منزلت سوم

غدیر در سیره اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان بر حق شیعه، که نگاهبان اسلام حقیقی بودند و سعی داشتند آن را از خطرات دور سازند، از هر فرصتی بهره بردند تا غدیر را زنده بدارند و آن خاطره گرامی و به یاد ماندنی را مطرح کنند؛ زیرا در تابش آفتاب غدیر، اهداف والای پیامبر جامه عمل می پوشد و برای فتنه انگیزی کج اندیشان فرصت باقی نمی ماند.

نگاهی گذرا به سیره فاطمه و امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر امامان راستین شیعه ما را با اهمیت واقعه غدیر و نقش عظیم و سرنوشت ساز آن در هدایت و نیکبختی بشر آشنا می سازد.

حدیث غدیر در معرکه صفین

علی علیه السلام در یکی از روزها در جمع سپاه خود، که گروهی از مهاجرین و انصار نیز در آن به چشم می خوردند از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فضایل خویش را برشمرد. آیات شریف «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...»^۱ و «لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً»^۲ را تلاوت کرد و فرمود: مردم پرسیدند یا رسول الله، آیا ولایت اختصاص به بعضی از مؤمنان دارد یا برای عموم است؟ در آن هنگام خداوند فرمان داد تا پیامبرش ولایت را همانند نماز، روزه، زکات و حج توضیح دهد و تبیین کند. در آن وقت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم مرا ولی امر مردم قرار داد و چنین خطبه خواند: «ان الله ارسلني برسالة... من كنت مولاه فعلي مولاه...»^۳

خطبه غدیریه امیرمؤمنان علیه السلام در زمان حکومت

در دوره حاکمیت علی بن ابی طالب علیه السلام اتفاقاً روز عید غدیر با جمعه مصادف شد. مسلمانان حضور چشم‌گیری پیدا کردند و آن حضرت برای اقامه نماز جمعه و خواندن خطبه‌های آن در برابر مردم قرار گرفت. حسین بن علی علیه السلام می‌گوید: پنج ساعت از روز گذشته بود [قبل از اذان ظهر]، که پدرم خطبه‌ها را آغاز کرد. او نخست به حمد و ثنای حضرت حق پرداخت، صفات ربوبی‌اش را برشمرد، حاکمیت مطلق را از آن وی دانست، نعمت‌هایش را مورد توجه قرار داد و بعد خطاب به مردم فرمود: خداوند تعالی امروز دو عید بسیار بزرگ [جمعه و غدیر] را برای

۱- مائده، ۵۵

۲- توبه، ۱۶

۳- بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۴۷-۱۴۶.

شما در یک زمان قرار داده است؛ دو عیدی که هر یک فلسفه وجودی دیگری را تکامل می‌بخشد و به وسیله هر یک هدایت در دیگری اثر می‌بخشد... سپس فرمود: توحید و ایمان به یگانگی خداوند پذیرفته نمی‌شود مگر با اعتراف به نبوت پیامبرش محمد ﷺ و دین و شریعت محمد ﷺ پذیرفته نمی‌شود مگر با قبول ولایت امر کسی که خدا فرمان ولایتش را داده است؛ و همه این امور سامان نمی‌پذیرد مگر بعد از توسل و تمسک به اهل ولایت.

غدیر از نگاه مولی الموحدين ﷺ

علی ﷺ سپس فرمود: «خداوند در روز غدیر آنچه درباره منتخبین خود اراده کرد بر پیامبرش فرو فرستاد، به او فرمان داد تا ولایت و وصایت را ابلاغ کند و مجال را از کافران و منافقان بگیرد و نگران گزند دشمنان نباشد. روز غدیر، قدر و منزلت بسیار دارد، در آن روز گشایش‌های الهی فرا رسیده و حجتش بر همه تمام شده است. امروز روز روشن‌گری و اظهار عقیده از جایگاه بلند و روشن است، امروز روز تکامل دین و روز وفای به عهد است. غدیر روز شاهد [رسول الله ﷺ] و مشهود^۱ [علی بن ابی طالب ﷺ] است، روز در هم ریختن پیمان‌های زیر پرده کفر و نفاق است، روز آشکار شدن حقایق اصیل اسلام است، روز ذلت و خواری شیطان است، روز استدلال و برهان است، روز جدا شدن صفوف کسانی است که آن را تکذیب می‌کردند امروز بزرگترین روزی است که عده‌ای از شما از آن اعراض کردید، روز هدایت و امتحان بندگان خداست، روز آشکار شدن کینه‌های نهفته در دلها و سینه‌هاست، روز

۱ - تفسیر شاهد و مشهود را می‌توان در موارد ذیل یافت: اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۸۶، ح ۴۱؛ ج ۳۶، ص ۱۱۴، ح ۶۱.

عرضه نصوص [سخنان بدون ابهام پیامبر ﷺ] بر افراد مؤمن و دلباخته [اهل الخصوص] است، غدیر روز شیت پیامبر ﷺ است، روز ادريس و یوشع و شمعون و...»

استدلال ام الائمه، فاطمه زهرا ﷺ به حدیث غدیر

حضرت فاطمه زهرا ﷺ یگانه یادگار رسول اکرم ﷺ است، که همچون دیگر اهل بیت ﷺ بارها به یادآوری واقعه غدیر پرداخت. نگاهی به سخنان آن بزرگوار جایگاه وی در عرصه اخبار غدیر را آشکار می‌سازد:

گروهی از انصار، برای توجیه خطای خویش، به ایشان گفتند: اگر مطالب شما را قبل از بیعت با دیگران می‌شنیدیم با غیر علی بیعت نمی‌کردیم. حضرت فرمود:

آیا پدرم در روز غدیر برای کسی جای عذر باقی گذاشت؟ و نیز در جواب محمود بن لبید که پرسیده بود: آیا از سخنان پیامبر دلیلی بر امامت علی دارید؟

فرمود: شگفتا، آیا روز غدیر را فراموش کردید؟!۱

روایتی با سند بسیار دقیق و مشهور بیان می‌دارد که دختر بزرگوار پیامبر حدیث غدیر را چنین بیان فرمود:

قال رسول الله ﷺ: «من كنت وليه فعلى وليه و من كنت امامه فعلى امامه.»^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که من سرپرست اویم علی سرپرست اوست

۱- الاحتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۰۲ و الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۳۰
 ۲- نهج الحياة ص ۳۸-۴۰ و بحار الانوار ج ۳۶ ص ۳۵۳

و هر که من امام او هستم علی امام اوست.

استدلال امام حسن مجتبیٰ علیه السلام به حدیث غدیر

هنگامی که امام حسن مجتبیٰ علیه السلام تصمیم گرفت با معاویه صلح کند، خطبه‌ای ایراد فرمود در بخشی از آن خطبه تاریخی آمده است: این امت از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که می‌فرمود: «هرامتی کسی را متولی امور خود کند که از او داناتر و شایسته‌تر در میان خود داشته باشند، هماره رو به تنزل می‌روند، مگر آن را که شایسته‌تر است، مقدم بدانند» و شنید که به پدرم می‌فرمود: «تونسبت به من، همانند هارونی نسبت به موسی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست» و شنیدند که در غدیر خم دست پدرم را گرفت و می‌فرمود: «هرکس را که منم مولای او، علی مولای اوست خدایا! دوست مدار آنکه علی را دوست می‌دارد و دشمن مدار آن را که با علی دشمن است» آنگاه به حاضران فرمود تا غایبان را آگاه سازند.^۱

غدیر خم در خطبه امام مجتبیٰ علیه السلام

حسن بن علی علیه السلام در برابر طاغوت شام و مردم کوفه خطبه‌ای خوانده، مردم را به بالاترین نعمت از دست رفته، که حاکمیت اهل بیت علیهم السلام بود، توجه داد. شایستگی و لیاقت خویش و مشروعیت خلافتش را متذکر شد و داستان روز بیاد ماندنی غدیر را چنین بازگو کرد: مردم سخن جدم پیامبر صلی الله علیه و آله را به یاد دارند که می‌فرمود: هرگاه مردم کسی را به رهبری خویش برگزینند در حالی که لایق‌تر و آگاه‌تر از آن فرد وجود

۱- غدیر از دیدگاه اهل سنت، محمد رضا جباران ص ۳۸

داشته باشد، برای خویش تیره‌بختی خریده‌اند مگر اینکه دوباره بدانچه رها کردند و به فراموشی سپردند بازگردند و آنچه را که از پیامبرشان درباره پدرم شنیده‌اند دنبال کنند، رسول خدا می‌فرمود: ای علی تو بعد از من مانند هارون پس از موسی هستی، او جانشین برادرش موسی بوده تو نیز جانشین و خلیفه منی، تنها تفاوت [میان آنها و ما] این است که بعد من پیامبری و نبوت نخواهد بود. امام مجتبی علیه السلام سپس فرمود: این مردم پیامبر خود را دیدند و سخنانش را در «غدیرخم» شنیدند. در آن روز جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله دست پدرم علیه السلام را گرفت و در برابر آنان گفت: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی مولای او خواهد بود، خدایا، دوست بدار هر کس او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن دارد... سپس جدم پیامبر صلی الله علیه و آله دستور اکید داد که، حاضران مطالب غدیر را به غایبان برسانند.^۱

امام حسین علیه السلام و حدیث غدیر در منی

یکسال قبل از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام به زیارت بیت الله الحرام در مراسم پرشکوه، حج مشرف شد عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر او را همراهی نمودند. آن سال عده زیادی از زنان و مردان بنی‌هاشم حضور داشتند. امام حسین علیه السلام در ایام تشریق آنان را در سرزمین منی جمع نمود در آن اجتماع عظیم بیش از هفتصد نفر از مردان تابعین و دو بیست نفر از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گرداگرد وجودش زیر خیمه حلقه

۱- ینابیع المودة، قندوزی حنفی، ص ۵۷۸ «وقد سمعت هذه الامه جدی - صلی الله علیه و آله - يقول: ما ولت امه امرها رجلا و فیهم من هو اعلم منه الا لم یزل یدهب امرهم سفلا حتی یرجعوا الی ما ترکوه و سمعوه - صلی الله علیه و آله - یقول لابی: انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی. وقد راوه و سمعوه صلی الله علیه و آله حین اخذ بید ابی بغدیر و قال لهم: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم من و الاه و عاد من عاده ثم امرهم ان یبلغ الشاهد منهم الغائب ثم قال ...»

زدند و منتظر سخنان امام خویش بودند، حضرت پیا خاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

شما شاهد و ناظر تجاوزات معاویه جنایتکار نسبت به ما و شیعیان هستید و از آنها اطلاع دارید، سخنان مرا گوش کنید و بنویسید [تا برای آیندگان بماند] و به دیگر شهرها و قبائل و افراد مؤمن و مورد اعتماد خود برسانید و آنان را دعوت به اداء حق ما (اهل بیت) کنید ترس آن دارم که وقتش بگذرد و حقوق ما مغلوب ستمگر گردد، گرچه خداوند بالاترین پشتیبان است. سپس فرمود: شما را به خدا سوگند: بیاد نمی آورید که پیامبر خدا ﷺ روز غدیر خم پدرم علی علیه السلام را وصی و امام بعد از خود قرار داد و حدیث ولایت را بر شما خواند و فرمود همگی باید این پیام را به دیگران برسانید پاسخ دادند: چرا ما بیاد داریم.^۱

امام محمد باقر علیه السلام و حدیث غدیر

فضیل بن یسار، بکیر بن اعین، محمد بن مسلم، برید بن معاویه و ابوالجارود همگی در محضر امام باقر علیه السلام بودند. حضرت درباره ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و روز غدیر فرمودند:

خداوند پیامبرش را مامور به ولایت علی علیه السلام کرد و این آیه شریفه را نازل کرد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»^۲ با نزول آیه فوق ولایت «اولی الامر» واجب گردید و لکن عده ای فهمیدند «اولی الامر» چه کسانی هستند، خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دستور داد تا آن را توضیح دهد و همانند نماز و زکات و روزه و حج مصادیق خارجی آن را روشن سازد. در آن هنگام اضطراب او را فرا

۱ - موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۲۷۰؛ الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۹، چاپ چهارم
۲ - مائده، ۵۵.

گرفت و ترسید عده‌ای بواسطه آن از آیین اسلام برگردند و او را تکذیب کنند او به خدا پناه برد. در آن هنگام آیه تبلیغ «یا ایها الرسول بلغ...» نازل گشت پیامبر خدا ﷺ امر حق را اجرا نمود و در غدیر خم ایستاد و فرمان اجتماع مردم و زوار بیت الله الحرام را داد و در آنجا علی بن ابی طالب علیه السلام را ولیّ، بعد از خود معرفی کرد و دستور داد آنانی که در آنجا (غدیر خم) بودند پیام خداوند (ولایت علی علیه السلام) را به دیگر افراد برسانند.^۲

امام صادق علیه السلام در مسجد غدیر

حسان جمال می‌گوید: همراه امام صادق علیه السلام از مدینه به مکه مسافرت کردم. در نزدیکی میقات جحفه، چون به «مسجد غدیر» رسیدیم امام علیه السلام به جانب چپ مسجد نگریست و فرمود: این مکانی است که پیامبر خدا ﷺ، در روز غدیر، علی را جانشین خود معرفی کرد و فرمود: من کنت مولاه فعلی، مولاه. آنگاه امام علیه السلام به جانب دیگر نگاه کرد، جایگاه خیمه‌های دیگران را نشان داد و فرمود: سالم غلام ابو خذیفه و ابو عبیده جراح نیز در آنجا بود؛ گروهی از مردم چون علی علیه السلام را بر روی دست پیامبر دیدند با حسادت به وی نگریستند و به یکدیگر می‌گفتند: به دو چشم او [پیامبر] نگاه کنید، چگونه همانند دیوانه به اطراف خویش می‌نگرد و قرار ندارد. در این هنگام جبرئیل نازل شد و این آیات را بر پیامبر خدا ﷺ قرائت کرد:

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».^۳

۱ - مائده، ۶۷.

۲ - فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۶

۳ - قلم، ۵۲ - ۵۱

آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تورا چشم بزنند؛ آنها می‌گفتند: او واقعا دیوانه است، در حالی که قرآن جز بیداری و آگاهی برای جهانیان نیست.^۱

امام کاظم علیه السلام و مسجد غدیر

عبدالرحمان بن حجاج گفت: خدمت موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم. در حالی که قصد سفر داشتم، از آن حضرت درباره مسجد غدیر خم پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: در آن مسجد نماز بخوانید که فضیلت و ثواب بسیار دارد، پدرم [به هر که عازم آن دیار بود] فرمان می‌داد تا در مسجد غدیر نماز بگذارد.^۲

امام رضا علیه السلام و حدیث غدیر

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید: در منزل امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام نشسته بودم، جمع بسیاری نیز در منزل حضرت گرد آمده بودند که گفتگو درباره روز غدیر آغاز شد؛ بعضی از افراد وجود روز غدیر را در صدر اسلام منکر شدند و بعضی آن را از شعائر اسلامی می‌دانستند. در این هنگام، علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: پدرم از جدم «جعفر بن محمد» چنین نقل می‌کرد:

«آسمانیان روز غدیر را بهتر از زمینیان می‌شناسند، خداوند در بهشت برین ساختمان بزرگی را به خود اختصاص داده است؛ این ساختمان از آجرهای نقره و طلا ساخته شده، در آن صد هزار گنبد از یاقوت سرخ و صد هزار گنبد

۱ - نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۹. روایات دیگری نیز در شان این آیه وارد شده است که همین مضمون را نشان می‌دهد. رک: تفسیر علی بن ابراهیم؛ روضه کافی، ص ۳۴۴، ح ۵۴۲.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴۹، ح ۲، ب ۶۱؛ فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۶، ح ۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸، ح ۲۱؛ ب ۱۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵۹، ح ۳۱۴۳.

از یاقوت سبز وجود دارد، خاک و گل‌های به کار گرفته شده در این قصر از مشک و عنبر است، در آن چهار جوی (یا رودخانه) به چشم می‌خورد که در هر یک از آنها خمر و آب زلال و شیر و عسل جریان دارد؛ در اطراف این جویبارها درختان انبوهی از میوه‌های مختلف روییده، بر روی آنها پرندگانی پرواز می‌کنند که بدنشان از لؤلؤ و پرهایشان از یاقوت است؛ آنها با پرواز خویش صداهای دلنوازی ایجاد می‌کنند.

روز غدیر در این قصر بزرگ باز می‌شود؛ فرشتگان و اهل آسمانها تسبیح‌گویان به قصر داخل می‌شوند؛ آن پرندگان به پرواز درآمده در جویبارها خود را مرطوب می‌سازند و سپس به آن مشک و عنبر آغشته کرده، و عطرش را در فضای ملکوتی قصر منتشر می‌سازند؛ فرشتگان الهی به نام فاطمه زهرا علیها السلام به یکدیگر هدیه می‌دهند؛ چون پایان روز غدیر فرا می‌رسد، به فرشتگان گفته می‌شود به جایگاههای خویش برگردید شما تا سال آینده، مثل چنین روزی، از اشتباه و لغزش در امان هستید و بدانید همه این موهبت‌ها به خاطر عظمت پیامبر ما محمد و وصی او علی بن ابی طالب علیهما السلام است.»^۱

همچنین سایر ائمه علیهم السلام نیز به نوبه خود در ارتباط با موضوع غدیر خم اشاراتی داشته و در سخنرانی‌ها و محافل علمی و سیاسی و... به ذکر این موضوع پرداخته‌اند که ما از آوردن تمام اینها در اینجا معذوریم. همچنانکه در مورد حضرات معصومین علیهم السلام که نام آنها برده شد فقط به یک موضوع آن پرداخت شد و دیگر فرمایشات آنان که در این زمینه می‌باشد را حذف نمودیم تا ملال خاطر خوانندگان نگردد.



منزلت چهارم

استدلال اصحاب و یاران پیامبر ﷺ به حدیث غدیر خم

اصحاب و یاران چندین ساله پیامبر بزرگوار اسلام که اکثراً با ایشان بوده و همراه و همگام پیامبر ﷺ بودند و در شادی و غم همراه پیامبر ﷺ بودند نیز دارای استدلالهایی هستند که در اینجا به آنها اشاره میشود. هر چند قطعاً عده‌ای از آنان بعد از رحلت پیامبر ﷺ از حق دوری جستند و به صف دشمنان علی علیه السلام پیوستند اما باز زبان به اعتراف گشوده و خود را محکوم و حقانیت علی علیه السلام را اثبات نموده‌اند که این افراد نیز کم نیستند و ما فقط به تعدادی از آنان اشاره کرده‌ایم:

استدلال جناب عمار یاسر به حدیث غدیر

در جنگ صفین هنگامی که جناب عمار یاسر با عمرو عاص مواجه

شد، فرمود: رسول خدا ﷺ به من دستور داد با ناکثین بجنگم و من امرش را اطاعت کردم و فرمود با قاسطین بجنگم و شما همانها هستید که با شما می جنگم و نمی دانم به جنگ با مارقین هم موفق می شوم یا نه. ای مرد ابتر آیا نمی دانی که رسول خدا ﷺ به علی ع فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟

استدلال جوانی ناشناس به حدیث غدیر

ابوهریره وارد مسجد کوفه شد، مردم گرد او را گرفته بودند، هر کس چیزی می پرسید جوانی برخاست و گفت: تو را به خدا سوگند می دهم آیا تو از رسول خدا ﷺ شنیدی که می فرمود: «هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست خدایا! دوست بدار آن را که دوستش می دارد و دشمن داشته باش آن را که با او دشمنی کند» ابوهریره گفت: «شهادت می دهم که خود، از رسول خدا ﷺ شنیدم که چنین فرمود».

استدلال عمرو بن عاص به حدیث غدیر

همه می دانند که عمرو بن عاص یکی از دشمنان سرسخت امیرالمؤمنین ع بوده است. وی افکار آشفته معاویه را سازمان بخشید و او را برای مقابله با امیرالمؤمنین ع آماده کرد. با دسیسه های خود او را از سقوط حتمی رهاوند، و با طرح مساله حکمیت، لشکر شام را نیرو بخشید و سپاه کوفه را به اختلاف و تفرقه انداخت. همان جا بود که نطفه خوارج منعقد شد و برای این خدمت، حکومت مصر را از معاویه پاداش گرفت. پیش از آنکه معاویه حکومت مصر را به او پیشنهاد کند، در نامه ای از او تقاضای کمک کرده می نویسد: «علی باعث قتل عثمان شد و من

خلیفه عثمان هستم».

عمرو در جواب معاویه می نویسد:

نامه‌ات را خواندم و فهمیدم اما اینکه از من خواسته‌ای از دین اسلام خارج شده با توبه وادی ضلالت وارد شوم و تورا در راه باطلت یاری کنم و به روی امیرالمؤمنین شمشیر بکشم، در حالی که او برادر، ولی، وصی و وارث رسول خداست و هموست که دین پیامبر را ادا کرد و وعده‌هایش را جامه عمل پوشاند، همو که داماد او و شوهر بانوی زنان جهان و پدر حسن و حسین سرور جوانان بهشتی است، نمی‌پذیرم... وای بر توای معاویه! آیا نمی‌دانی که ابوالحسن جانش را در راه خدا نثار کرد و در بستر رسول خدا ﷺ خوابید و رسول خدا ﷺ درباره‌اش فرمود: «هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست».

استدلال عمر بن عبدالعزیز به حدیث غدیر

شخصی به نام یزید بن عمر می‌گوید: «من در شام بودم، عمر بن عبدالعزیز اموالی را تقسیم می‌کرد، من هم برای دریافت سهمم رفتم، وقتی نوبت به من رسید، گفت: تواز کدام قبیله‌ای؟ گفتم: از قریش. گفت از چه طایفه‌ای؟ گفتم بنی‌هاشم. گفت: از کدام تیره؟

گفتم: از وابستگان علی ع. گفت: کدام علی؟ من پاسخ ندادم. عمر بن عبدالعزیز دست به سینه‌اش نهاده گفت: به خدا من هم از وابستگان علی هستم؛ گروهی برای من روایت کرده‌اند که پیامبر ص درباره او فرمود: «هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست». آنگاه رو به دستیار خود کرده گفت: به امثال این شخص چقدر می‌دهی؟

گفت: صد یا دویست درهم. گفت: اینک به او پنجاه دینار بده، چون ولایت علی بن ابی طالب را دارد؛ آنگاه به شهر خود برگرد، سهمت را نیز در آنجا دریافت خواهی کرد.

چنانکه می‌بینیم در تمام این گفتگوها خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مورد بحث است. استدلال‌کنندگان، با این حدیث، خلافت حضرت امیر علیه السلام را اثبات می‌کنند، و مقام و منزلتی که از این اخبار برای غدیر خم بدست می‌آید برای هیچ یک از رویدادها اینگونه توصیف نشده و دارای اینگونه تواتر نمی‌باشد.

بنابراین اگر کسی به هر انگیزه‌ای در مفاد حدیث غدیر تشکیک کند، نه تنها حقیقت را کتمان کرده، کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز تحریف نموده است، و به قول مامون، خلیفه عباسی، چیزی را به رسول مکرم اسلام نسبت داده که نمی‌توان به نوجوانی پانزده ساله نسبت داد.^۱

۱- غدیر از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، احمد زمانی، ماهنامه کوش



منزلت پنجم

زنان راوی غدیر

حضور زنان در حجه الوداع بارزترین و ماندگارترین نوع شرکت در صحنه‌های اجتماعی است. اخبار فراوانی که به وسیله راویان زن از این مراسم عظیم نقل شده، گویای تلاش گسترده زنان در پاسداری از این میراث مقدس است.

گروهی از این بانوان، حدیث غدیر را نقل کرده‌اند؛ که نام و روایتشان چنین است:

حضرت زهرا ع

فرمایشات حضرت در بخش استدلال‌های اهل بیت ع صفحه ۴۷ گذشت.

ام سلمه

حضور زنان پیامبر، از جمله ام سلمه در مراسم غدیر، در کتب مختلف مورد تاکید قرار گرفته است.^۱

ام سلمه یکی از دوزن پیامبر ﷺ است که حدیث غدیر را روایت کرده است. او ماجرای غدیر را چنین باز می گوید: در غدیر خم رسول خدا ﷺ دست علی را بالا برد، تا آنجا که سفیدی زیر بغلش را دیدیم، آنگاه فرمود: هر که من مولای او هستم پس علی مولای اوست.^۲

ام سلمه از معدود کسانی است که بعد از وفات نبی اکرم ﷺ در خط ولایت امیرمؤمنان باقی ماند. او به فرزندش چنین وصیت کرد. «پسرکم، همراهش [علی] باش. به خدا قسم، بعد از پیامبرت امامی غیر او ندیدم»^۳ ام سلمه روایات دیگری نیز، درباره امیرمؤمنان، از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است.^۴

اسماء بنت عمیس

او به دلیل تقرب به اهل بیت ﷺ روایات فراوانی نقل کرده است؛ تنها حدود شصت روایت از پیامبر اکرم ﷺ دارد که بسیاری از آنها در منزلت امیرمؤمنان است.^۵ اسماء از سابقین در اسلام است و از جمله افرادی

۱ - معارج النبوه، ج ۲، ص ۳۱۸

۲ - اخذ رسول الله ﷺ بید علی بغدیر خم فرقعها حتی رابنا بیاض ابطیه فقال «من كنت مولاه فعلى مولاه» ثم قال «ابها الناس انى مخلف فيكم الثقلين كتاب الله وعترتى ولن يفترقا حتى يردا على الحوض». الغدير، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸

۳ - «يا بنى الزمه فلا والله ما رایت بعد نبیک صلی الله علیه وآله اماما غیره»، اعلام النساء، ص ۶۵۱؛ بصائر الدرجات، ص ۱۸۳، ج ۴.

۴ - اعلام النساء، ص ۶۳۴ نقل از امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۹۲

۵ - اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸؛ جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۵۵؛ خلاف طوسی، ج ۱، ص ۵

است که قبل از آنکه مردم در خانه ارقم ایمان بیاورند به همراه همسرش جعفر به خدمت پیامبر ﷺ آمد و اسلام اختیار نمود و به همراه جعفر به حبشه مهاجرت کرد. وی همواره از محبان و ملازمان فاطمه زهرا علیها السلام بود. او بعد از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام از جمله زنان علی علیه السلام شد. فرزندش محمد را چنان تربیت کرد که از مریدان و مخلصان امیرمؤمنان شد. زمانی که در حجه الوداع شرکت جست همسر ابوبکر بود. و محمد بن ابی بکر نیز در مسیر حجه الوداع متولد شد. ابن عقده در کتاب ولایت، حدیث غدیر را از او روایت کرده است.^۱

ام‌هانی بنت ابی طالب علیها السلام

او فاخته نام دارد و خواهر امیرمؤمنان علیه السلام است. ام‌هانی از راویان و اصحاب پیامبر اکرم بود، پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی او را «یکی از بهترین مردم» خواند. این بانوی گرانقدر احادیثی چون ثقلین و غدیر را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است. او درباره واقعه غدیر می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از حج بازگشت، تا در غدیر خم فرود آمد، سپس برخاست و در گرمای سوزان چنین گفت: [ای مردم هر که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. خدایا، هر که او را دوست دارد، دوست بدار و هر که با او دشمنی کند، دشمن بدار، هر که او را زبون سازد، زبون گردان و هر که او را یاری کند، یاری کن].^۲

۱ - الغدیر، ج ۱، ص ۱۷.

۲ - «رجع رسول الله صلی الله علیه و آله من حجه حتی نزل بغدیر خم ثم قام خطيباً بالهاجره فقال: ايها الناس [من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من ولاة و عاد من عاداه و اخذل من خذله و انصر من نصره] ینابيع الموده، ص ۴۰؛ اعلام النساء، ص ۴۸۹

عایشه دخترابی بکر

او در شمار زنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حاضران در حجه الوداع جای داشت. در کتب مختلف اهل سنت روایت غدیر از وی نقل شده است. ابن عقده در «حدیث ولایت» روایت او را نیز ذکر می‌کند.^۱

فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب

او از صحابه مشهور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و ابن عقده و منصور رازی حدیث غدیر را از وی نقل کرده‌اند.^۲

همسر زید بن ارقم

از جمله کسانی که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند زید بن ارقم و نیز همسروی می‌باشد علامه طباطبایی ضمن نام بردن از گروه کثیری که روایت (من کنت مولاه فعلی مولاه) را نقل کرده‌اند به ایشان نیز اشاره می‌کند.^۳

روایات زنان تابعی و...

در میان روایات غدیر، روایتی با ده سند به چشم می‌خورد که همه راویانش زن هستند. نام این بانوان چنین است:

۱- الشیخه ام محمد زینب ابنه احمد بن عبدالرحیم المقدسیه.

۲- فاطمه دختر امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام

۳- زینب دختر امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام

۱- الغدیر، ج ۱، ص ۴۸

۲- الغدیر، ج ۱، ص ۵۸.

۳- المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۵۹

- ۴- ام‌کلثوم دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام
- ۵- فاطمه دختر جعفر بن محمد الصادق علیه السلام
- ۶- فاطمه دختر محمد بن علی علیه السلام
- ۷- فاطمه دختر علی بن الحسین علیه السلام
- ۸- فاطمه دختر حسین بن علی علیه السلام
- ۹- سکینه دختر حسین بن علی علیه السلام
- ۱۰- ام‌کلثوم دختر فاطمه زهرا علیها السلام

این گروه از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقل کرده‌اند که حضرت فرمود:
 آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر را فراموش کردید، که فرمود:

«هر که من مولای او هستم علی مولای اوست. و [آیا] گفتارش را [فراموش کردید که فرمود]: [ای علی،] جایگاه تو در برابر من مانند جایگاه هارون در برابر موسی است.»^۱

۱۱- عایشه بنت سعد

عایشه بیشتر روایت‌هایش را از پدرش سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند و نزد ابن حجر از راویان موثق به شمار می‌رود. او روایت غدیر را، که ولایت علی علیه السلام را آشکار می‌سازد از زبان پدرش چنین بازگو می‌کند:

شنیدم پدرم که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جحفه دست علی علیه السلام را گرفت، سپس خطبه خواند، خدای را سپاس گفت، ستایش کرد و فرمود: ای مردم، من ولی شما هستم.

۱- «انسیتم قول رسول الله صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم، من کنت مولاة فعلی مولاة و قوله انت منی بمنزله هارون من موسی علیهما السلام.» بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳

گفتند: راست گفتی، ای رسول خدا ﷺ.

سپس دست علی را گرفت و بالا برد و فرمود:

این جانشین من است و دین مرا ادا می‌کند. من دوست دار کسی هستم که او را دوست بدارد و دشمن کسی هستم که با او دشمنی ورزد.^۱

۱۲- فاطمه بنت علی بن ابی طالب علیه السلام

او دختر علی بن ابی طالب علیه السلام است و مادرش ام‌ولید می‌باشد. «برقی» در رجال خود وی را از راویان امام حسن علیه السلام می‌داند و در «تهذیب الاحکام» از راویان امیرمؤمنان علیه السلام، ابی‌حنیفه، اسماء بنت عمیس شمرده شده است. حدیث منزلت و ردالشمس از جمله روایات اوست. وی حدیث غدیر را از ام‌سلمه نقل نموده است.

۱۳ و...^۲

۱- «سمعت ابی یقول: سمعت رسول الله ﷺ یوم الجحفة فاخذ بید علی فخطب فحمد الله و اثنی علیه ثم قال: ایها الناس انی ولیکم قالوا صدقت یا رسول الله ثم اخذ بید علی فرفعها فقال: هذا ولیی و یؤدی عنی دینی و انا موالی من و آله و معادی من عاده.» الغدیر، ج ۱، ص ۳۸ - ۴۱

۲- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۵۴ به نقل از ک «زنان راوی غدیر»، محمد عابدی، با تلخیص و تصرف



منزلت ششم

غدیر از دید شعرا

اگر حضرت خضر آب حیات نوشید و ماندگار ماند، ادبیات و فرهنگ مسلمانان نیز در سایه سار قرآن مجید و به راهنمایی خدا و رسولش از آب غدیر خم سیراب گشت و جاودانه شد. کمتر شاعری می‌توان یافت که دست کم جرعه‌ای از خمِ غدیر ننوشیده، جان تشنه‌اش حلاوت حلالِ عشق علوی - این شرابِ طهور - را نچشیده باشد. نه تنها شعرای بزرگ عرب - از حسان بن ثابت و کمیت اسدی و دعبل خزاعی گرفته تا سید حیدر حلّی و بولس السلامه و ازری کبیر، که شاعران حقجو و حقیقت‌گوهم از هر نژاد و زبان به اصالت این برکه با برکت و به زلالی این چشمه جوشان شهادت داده‌اند.

در این میان، شاعران پارسی‌گوی نیز به حقانیت غدیر خم گواهی

داده و گاه با سرودن چکامه‌های فاخر و بلند، و غدیریّه‌های غزّ و رسا، گوی سبقت از همگان ربوده اند؛ چرا که ایرانیان مسلمان را از همان نخست به علی و آل پاکش گرایش دیگری برتر، ارادتی فزونتر و بهتر بود و شاعران بزرگ و بیدار هم که همیشه زبان گویای ملت و مردم بوده‌اند، مردمان مسلمان را به همین گرایش سفارش می‌کردند.

گفتنی است قرن به قرن در طول تاریخ اسلام شعرهایی توسط دانشمندان و شاعران بنام به زبان عربی سروده شده بود، که نیازی نیست در این مقاله به غدیریّه‌های عربی پرداخته شود؛ گستره این کار بسیار بیشتر از آن است که در این مجال اندک بگنجد، زیرا صدها قصیده بلند بویژه پس از انتشار «الغدیر» توسط ارادتمندان ساحت قدس علوی سروده شده و انتشار یافته است، تا آنجا که می‌توان گفت کمتر دانشمند و شاعری را می‌توان یافت که قصیده یا قصایدی در توصیف و یادکرد غدیر سروده باشد؛ حتی آنان که هیچگاه به شاعری شناخته نشده بودند و کسی از آنان بیت شعری نشنیده بود، غدیریّه‌هایی سروده‌اند؛ شاعرانی که در میانشان از مرجع تقلید و فقیه و حکیم و عارف گرفته تا خطیب و ادیب و نویسنده و شاعران پراوازه هم دیده می‌شود و گردآوری این همه خود گروهی از ادیبان و شاعران را می‌طلبد تا کاری خوب و جذاب ارائه دهند ولی ما فقط به این مقدار اکتفا می‌کنیم تا باشد بعضی‌ها بدانند غدیر خم دارای چه منزلتی است که هیچ شاعر با وجدان و هنرمند از کنار آن به سادگی رد نشده است.

در قسمتی از این بخش، نام شعرای مشهور و بنام را همراه با قسمتی از شعرهایی که مربوط به غدیر می‌باشد را می‌آوریم و در قسمتی دیگر فقط نام شعرا را معرفی می‌کنیم تا علاقمندان خود به دیوان این شعرا

مراجعه نمایند. چرا که آوردن تمام شعرهای شعرا در این کتاب اصلاً امکان نداشته و موجب اطاله کلام می‌گردد.

مولوی در دفتر ششم مثنوی به تفسیر حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه می‌پردازد و می‌گوید:

نام خود و آن علی مولا نهاد	زین سبب پیغمبر با اجتهاد
ابن عمّ من علی مولای اوست	گفت هر کس را منم مولا و دوست
بند رقیّت ز پایت بر گند	کیست مولا آن که آزادت کند
مؤمنان را ز انبیا آزادی است	چون به آزادی نبوت هادی است
همچو سرو و سوسن آزادی کنید ^۱	ای گروه مؤمنان شادی کنید

مرحوم قاضی نور الله شوشتری از کتاب «خلاصه المناقب» مولانا نورالدین جعفر بدخشی قصیده‌ای از قصاید سعدی را نقل می‌کند که در ضمن آن سعدی گوید:

که از پالان اشتر ساخت منبر	به آن روزی که وحی آمد نبی را
نَبْدُ فاضلتر و بهتر ز حیدر	که بعد از مصطفی در کلّ عالم
که بود او نفس معصوم مطهّر ^۲	پس از احمد امام حق علی دان

پس از سعدی به شاعر عارف، حافظ شیرازی (م ۷۹۲ق) می‌رسیم و می‌بینیم که لسان الغیب نیز همین نوا را می‌نوازد و در قصیده نخست که دیباچه دیوان نیز به حساب می‌آید چنین گوید:

...نوشته بر در فردوس کاتبان قضا نبی رسول و ولی عهد حیدر کزار

۱- مثنوی معنوی، نسخه نیکلسون، ج ۳، ص ۵۳۵؛ تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۱۴، ص ۵۱۹
 ۲- مجالس المؤمنین، نورالله شوشتری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ش، ج ۲، ص ۱۱۸

امام جئی و انسی علی بود که علی
 علی امام و علی ایمن و علی ایمان
 علی ز بعد محمد زهر که هست به است
 به حق دین محمد بخون پاک حسین
 که نیست دین هدی را به قول پاک رسول
 ز کل خلق فزونست از صغار و کبار
 علی امین و علی سرور و علی سردار...
 اگر تو مؤمن پاکی بکن بر این اقرار...
 به حق مردم نیک از مهاجر و انصار
 امام، غیر علی بعد احمد مختار

دقیقی طوسی، ابو منصور محمد بن احمد (م ۳۴۱ هـ):

کیوس وار بگيرد همی به چشم آلوس بسان فرخ شهبها امیر روز غدیر^۲
 پرواضح است که مراد از «امیر روز غدیر» امیر مؤمنان علی ع است
 و تا آنجا که ما تفحص کردیم توان گفت که این بیت دقیقی، قدیمترین
 شعری است که با صراحت تمام از روز غدیر سخن گفته است.

ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ ق):

شرف مرد به هنگام پدید آید از او چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر
 بر سر خلق مرا و را چو وصی کردن بی این، به اندوه در افتاد از او، آن به زحیر
 حسد آمد همگان راز چنان کار از او بر میدند و رمیده شود از شیر، حمیر
 او سزاید که وصی بود نبی رادر خلق که برادرش بُد و بن عم و داماد و وزیر

فرید الدین عطار نیشابوری (۵۱۳-۵۸۶ ق):

رونقی کان دین پیغمبر گرفت از امیر مؤمنان حیدر گرفت
 قلب قرآن، قلب پر قرآن اوست «وال من والا» اندر شأن اوست^۳

۱- همان: نسخه قدسی، ص ۲۴۲۳؛ چاپ علمی، بخش قصاید، قصیده اول.

۲- دیوان دقیقی طوسی، به اهتمام محمد جواد شریعت، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸ش، ص ۱۰۳ و ۱۰۲.

۳- آینه آفتاب، گردآورندگان: محمود شاهرخی. مشفق کاشانی، چاپ دوم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۶۹.

مولانا لطف الله نیشابوری (م ۸۱۰ ق):

بنازد عقل و جان و دل، به مهر سرور غالب

امیر المؤمنین حیدر، علی بن ابی طالب

نبی اندر مقام «انت متی» مادحش بوده

چنانک اندر خطابِ «انما» بودش خدا خاطب

اگر قرآن بود بر حق به قول حق امامت را

حواله با که کرد احمد بدان مجمع که بُد ذاهب

بیای آن که می‌گویی که با ایمان و اسلام

تفکر کن در این معنا، تأتی کن در این موجب^۱

پیداست که مقصود شاعر از آن مجمعی که پیامبر اسلام ﷺ از

رحلت خود خبر داده و امامت را در آن مجمع به امام علی علیه السلام حواله

کرده است، غدیر خم است و همین موجب آن است که امام و رهبر پس

از پیامبر ﷺ علی علیه السلام باشد و نه غیر.

۵. مولانا کاشی، محمد حسن افضل المتکلمین (ق ۸ هـ):

السلام ای سایه‌ات خورشید رب العالمین آسمان عزتمکین، آفتاب داد و دین

بیت بالا مطلع بند اوّل از ترکیب بند بلندی است که افضل

المتکلمین کاشی در امامت و ولایت امیر غدیر انشا کرده است و در

بیت چهارم همین بند می‌گوید:

مقصد تنزیل «بَلِّغ»، مرکز اسرار غیب مقطع «یتلوه شاهد»، مطلع «حبل المتین»

پرواضح و عیان است که مراد مولانا کاشی از «مقصد تنزیل بلِّغ» آیه

شریفه یا ایها الرسول بلّغ ما انزل الیک...^۱ است.

مرحوم قاضی نورالله شوشتری در مقدمه کتابش «مجالس المؤمنین» قطعه‌ای از یک غدیریّه را نقل می‌کند و به نام شاعرش اشارتی نمی‌کند. از آنجا که قاضی نورالله در سال ۱۰۱۹ق. به شهادت رسیده است این غدیریّه باید از آثار سده دهم. یازدهم یا پیش از آن باشد که در اینجا نقل می‌شود:

رو از برای سر خویش تاج زرّین ساز ز خاک پای جوانمرد «وال من والاه»
 ز دل عداوت او دور دار تا نخوری ز تیغ لفظ نبی زخم «عاد من عاداه»
 گواه پاکی اصلت ولای شاهی دان که برکمال معالیش «هل اتی» ست گواه
 فیاض لاهیجی (م ۱۰۷۲ق):

در قصیده بلندی که در مدح امام علی علیه السلام به مطلع زیر سروده است:
 سزای امامت به صورت، به معنی علیّ ولیّ آن که شاهست و مولی
 پس از هفتاد بیت می‌رسد به آنجا که می‌گوید:

به تنزیل شد «هل اتی» از چه مُنزلِ نبی را ز «بلّغ» چرا کرد عتبی
 و پیدا است که مرادش از «بلّغ» آیه تبلیغ ولایت است که در غدیر خم
 نازل شد.

نظیری نیشابوری (م ۱۰۸۳ق):

فراز منبر یوم الغدیر، این رمزیست که سرزحیب محمّد، علی برآورده
 حدیث «لحمک لحمی» بیان این معنی ست که بر لسان مبارک پیمبر آورده
 خدای از آدمشان تا به آل عبد مناف به صلب پاک و به بطن مطهر آورده

۱- سوره مائده، آیه ۶۷

۲- همان، ج ۱، ص ۳. نثاری تونی نیز از شاعران شیعی در قرن دهم است

۳- دیوان نظیری نیشابوری، ص ۴۹۴، بنا به نقل استاد محمد رضا حکیمی در کتاب جهشها،

نهاده وقت ولادت به خاک کعبه جبین نیاز و بندگی از بطن مادر آورده
 هزار شاهد صادق به مجمع اسلام به دعوی «انا صدیق اکبر» آورده^۲
 محمد رفیع لامع (متولد ۱۰۷۶ ه. ق):

محمد رفیع بن عبدالکریم درمیانی، متخلص به «لامع» اشعار
 بسیاری در مدح حضرت امیر علیه السلام دارد که در ضمن یکی از آنها گوید:
 «من کنت مولاه» از نبی در شأن او شد منجلی مولای انس و جان علی، قسام نیران و جنان^۱

میر شمس الدین فقیر دهلوی (۱۱۱۵-۱۱۸۳ ق):

آن وارث ملک لایزالی شاهنشاه دین، علیّ عالی
 آن مجمل شرع از او مفصل و آن دین خدا به او مکمل^۲

لطفعلی بیک آذر بیگدلی (۱۱۳۴-۱۱۹۵ ق):

شنیدم به فرمان حیّ قدیر علی را پیمبر به روز غدیر
 به بالای سربرد و با خلق گفت که تا چند از این راز باید نهفت
 از آنان که دارندم آیین و کیش شمارد مرا هر که مولای خویش
 پس از من بداند که مولا علیست زهرکس به مولایی اولی علیست
 بود بس صحیح این خبر پیش من توگفتی که بودم در آن انجمن^۳

۱- دیوان لامع، به کوشش محمد رفیعی. مظاهر مصفا، ۱۳۶۵ ش، ص ۴۸۴۶

۲- گنجینه عرفان، حسین قربانی، چاپ سوم، تهران، مهرآین، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۸

۳- دیوان آذر، تصحیح سادات ناصری. غلامحسین بیگدلی، چاپخانه علمی جاویدان، ۱۳۶۶ ش،

سید محمد حسین شهریار (۱۲۸۳-۱۳۶۷ش):

شهریار ملک شعرو سخن در اینجایکی از «مناشده‌ها» و احتجاج‌های
امام علی علیه السلام را به روایت می‌نشیند و می‌گوید:

نه با آن خطبه «من کنت مولا» علی را بُرد بر اعلا و اعلن؟
نه خود فریادِ «بِخَابِخ» کشیدید من اینها شور خوانم یا که شیون؟
چه شد عهد خدا بر من شکستید الا ای حاسدان عهد بشکن!
شهریار تبریزی به هر دو زبان فارسی و ترکی دلسروده‌های بسیاری
در باره غدیر خم دارد.

وصال شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۶۲ق):

وصال شیرازی در نزدیک به بیست مورد از غدیر خم یاد کرده و
غدیریه‌های بلند و بالایی سروده است که نقل همه در مجال این مقال
نمی‌گنجد.^۲

شمس الشعراء میرزا محمد علی سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ق):

از سروش اصفهانی آثار زیادی در مدح و مناقب و مرثی‌های اهل بیت علیهم السلام
به یادگار مانده است؛ مثل: «زینة المدايح»، «روضه الاسرار» (مانند «زبده
الاسرار» صفی و «گنجینه الاسرار» عمان سامانی) و دیوان اشعار که
چاپ شده است. سروش اصفهانی در دهها مورد از غدیر خم یاد کرده
است که مجال آوردن تمام آنها نیست.

صغیر اصفهانی (۱۳۱۲-۱۳۹۰ق):

مرحوم صغیر در حدود پانزده غدیریه سروده است که می‌توان در
دیوانش (در صفحات ۳۴، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۷، ۶۸، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۱۰۰،

۱- کلیات دیوان شهریار، چاپ هفتم، انتشارات زین، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۱۱۴۷
۲- رجوع شود به: دیوان وصال شیرازی، ص ۳۳، ۵۲، ۱۵۶، ۱۹۰، ۳۴۹، ۳۷۵ و...

۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۱ و ۴۵۶ و... دید.

آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (۱۳۶۱۱۲۹۶ق):

البته غدیرواره‌های علامه غروی، مختصر نیست بلکه ایشان هم در دیوان فارسی و نیز در دیوان عربی خویش «الانوار القدسیه» بارها بار از غدیرگفته و غدیریّه‌ها سروده است.

با جرأت می‌توان گفت که در چهارده قرن گذشته شاعران پارسی گوی بیش از صد غدیریّه و غدیرواره از خود به یادگار گذاشته‌اند و اگر تفحص کنیم خواهیم دید که تنها در پنجاه سال اخیر صدها قصیده و غزل و قطعه و... درباره غدیر خم انتشار یافته است، اینک فقط به نام دهها شاعر دیگری که در این ارتباط شعر سروده‌اند اکتفا می‌کنیم و از آوردن تمام شعرها اجتناب می‌کنیم چرا که نیاز به کتاب قطور است و ما در تحقیق مجمل جای آن نیافتیم.

قآنی شیرازی (۱۲۲۲هـ. ۱۲۷هـ ق):

وامق یزدی، میرزا محمد علی (م ۱۲۵۵ق):

حسین علی منشی کاشانی (۱۲۷۱ق - ۱۳۴۹ش) در ترکیب بند مربع خویش.

نسیم شمال، سید اشرف الدین گیلانی (۱۲۸۸-۱۳۱۳ق) در دیوانش.

آشفته شیرازی، کاظم (م ۱۲۸۷ق) در دیوانش (ص ۳۸۸ و ۱۵۲).

میرزا حبیب الله خراسانی (۱۲۶۶-۱۳۲۷ق):

ادیب الممالک فراهانی (۱۲۷۷-۱۳۳۶ق):

ملک الشعراى بهار، محمد تقی (۱۲۶۶-۱۳۳۳ش):

فرصت شیرازی (۱۲۷۱-۱۳۳۸ق) در «آینه آفتاب»، ص ۲۰۵ و ۲۰۷.

- یحیی مدرس اصفهانی، در دیوانش؛ ص ۱۶-۱۹.
- محیط قمی، در دیوانش، ص ۶۶-۶۹.
- عمّان سامانی، در «گنجینه الاسرار»، ص ۷۹-۸۳.
- حُجّه الاسلام نیر(م ۱۳۱۲ق) در دیوانش موسوم به «آتشکده نیر»، ص ۲۲۵.
- ایرج میرزا(۱۲۹۱-۱۳۴۴ق)، در «دائرة المعارف تشیع»، ج ۲، ص ۶۳۹.
- طیب اصفهانی، در دیوانش، ص ۱۲۸.
- ذکایی بیضایی، نعمت الله، در «گنجینه عرفان»، ص ۴۸۱، و در «آینه آفتاب»، ص ۱۳۶.
- سید محمد علی حیرت کازرونی، در «گنجینه عرفان»، ص ۲۰۴-۲۰۷.
- قاسم رسا، در کتاب «حساس ترین فراز تاریخ»، صفحه اول دیباچه، و ص ۹۰.
- شیخ رئیس قاجار، در «منتخب النفیس (دیوان)»، ص ۶۲-۶۶ و در «جهشها»، ص ۱۱۲.
- اسماعیل نجومیان، در «دیوان نجومی خراسانی»، ص ۷۹، ۸۱، ۷۴.
- طرب بن همای شیرازی، در دیوانش، ص ۷۲، ۷۳، ۲۲۶ و ... ایشان بیش از ده غدیریه دارد.
- حالی اردبیلی میرزا محسن(م ۱۳۷۴ق)، در «گنجینه عرفان»، ص ۱۲۲.
- حسان چایچیان، در «ای اشکها بریزید»، ص ۵۴، ۵۵ - ۵۶، ۴۵، ۴۳، ۵۲ - ۵۳ و در «خلوتگه راز» ۸۱-۸۲ و ۸۸....
- امینی تبریزی، سلیمان فرزند ملا جواد امین العلماء، در دیوانش،

ص ۱۳۲، ۱۷۵.

صادق سرمد (م ۱۳۳۹ ش) در کتاب «مناقب علوی»، ص ۱۰۹، ۱۰۸.
مکرم اصفهانی، محمد علی (۱۰۳۴ ق. ۱۳۴۴ ش) در کتاب «غدیر در
شعر فارسی»، ص ۱۴.

سید محمد حسین میرجهانی (متولد ۱۳۱۹ ق) همانجا، ص ۵۱.
محمد امینی نجفی (متولد ۱۳۴۱ ش) فرزند علامه امینی تبریزی در
«چکامه کوثریه»، ص ۵۲، ۴۸.

فؤاد کرمانی (۱۳۴۰، ۱۲۷۰ ق) در دیوانش «شمع جمع»، ص ۸۷،
۱۶۰ و....

محمد علامه، در دیوانش موسوم به «هدیه مور»، ص ۳۹، ۴۰ و....
علامه حائری مازندرانی، نویسنده «حکمت بوعلی سینا» و دهها اثر
دیگر در دیوان «بستان الادب»، ص ۱۱، ۴۱ و....

محمد علی مجاهدی (پروانه) در مجموعه شعری از ایشان موسوم به
«سیری در ملکوت»، ص ۹۰، ۸۸ و....

محمد علی ناصح، در «آینه آفتاب»، ص ۲۹۸.

سید رضا حسینی، معروف به «سعدی زمان»، در «نجوم
درخشان»، ج ۱، ص ۴۸.

نعمت آزم، در کتاب «حماسه غدیر»، ص ۵۶۱.

کمال معتضدی، در کتاب «سروده‌هایی بر مولا علی ع»، ص ۹۶،
ص ۳۸، ۳۶.

و...

منظور و هدف ما از آوردن این همه شعر و نام شعرای معروف در
قرن‌های مختلف، چیزی نیست جز اثبات مقام و منزلت امیرالمومنین

علی علیه السلام که ای خلاق و ای دشمنان بی خرد و ای دوستان نادان که ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام را قبول ندارید، بدانید این علی علیه السلام است که همگان بر ولی و وصی بودن ایشان احتجاج‌ها کردند و شعرها سرودند و کجا می‌توانید واقعه‌ای با این همه مضامین و با این همه شکر و سپاس و قدردانی از طرف مسلمانان پیدا نمائید؟



منزلت هفتم

ویژگی های غدیرخم

با بررسی سندیت غدیرخم از طرف شیعه و سنی و ذکر آن در منابع روایی و قرآنی، خصوصاً مفسران زبده قرآن کریم و روشهایی که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای استدلال به این واقعه ارائه نمودند و در نهان و آشکار و در سخنرانی ها و خطبه های عمومی و پاسخهای انفرادی، همه جا تلاش می کردند تا حماسه غدیر را بشناسانند و اهداف غدیرخم را به رخ بکشند و آنرا جاودانه سازند و برای اتمام حجت، پیام غدیرخم را بکار بگیرند، همچنین روایت اصحاب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله که اعم از دوست و دشمن بودند و شعرا و زنان راوی حدیث غدیر که از جان و دل شعر سروده اند و روایت را نسل به نسل و قرن به قرن تا کنون انتقال داده اند تا اینکه به نسل ما برسد، - همه این موارد بطور خلاصه در

بخشهای سابق گذشت - هر خواننده‌ای را به فکر فرو می‌برد که از خود بپرسد: غدیرخم چه ویژگی‌هایی دارد؟ اهداف غدیرخم چیست؟ بار تبلیغاتی آن چگونه است؟ ... در این بخش قصد داریم تا به تعدادی از ویژگی‌های این عید فرخنده اشاره نمائیم:

۱- اعلان امامت در اجتماع بی مثل

یکی از ویژگی‌هایی عید غدیر اعلام امامت حضرت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام در اجتماع بی مانند بود که نه در گذشته چنان جمعیتی با جاذبه‌های معنوی گرد آمدند و نه در آینده چنان اجتماع باشکوهی تحقق خواهد یافت.

در اینجا به برخی از جوانب شکوهمند آن اجتماع بی‌همانند اشاره می‌شود:

الف) اجتماعی از سراسر بلاد اسلامی:

مردمی که در غدیرخم گرد آمدند و با امام منصوب از طرف خداوند بزرگ بیعت کردند، مردم یک شهر و قبیله و یک منطقه و ناحیه نبودند، از یک نژاد و قومی گرد نیامده بودند بلکه از سراسر بلاد اسلامی با شنیدن خبر شرکت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مراسم حج، بسوی کعبه و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شتافتند. از شرق و غرب، از شمال و جنوب، از قومیت‌ها و ملیت‌های متفاوت، از سیاه و سفید، از سرمایه‌داران و نیازمندان، از زورمداران و ناتوان‌ها از بی‌سواد و باسواد از مهاجر و انصار، زن و مرد، پیر و جوان و بالاخره از همه جا؛ از همه شهرها و روستاها و بلاد اسلامی (نه فقط مردم مکه و مدینه)، برای مراسم حج گرد هم آمدند و مهمتر از همه اینکه همه آنها در غدیرخم درنگ کردند و پیام الهی را در ولایت و امامت پس از

پیامبر ﷺ را شنیدند. و با امام خود بیعت کردند، که چنین اجتماعی دیگر هرگز پدید نیامد.

ب) جاذبه‌های معنوی حاضران در غدیر

گردهم‌آیی حاجیان ۱۲۰ هزار نفری در غدیر خم تنها یک اجتماع نظامی یا سیاسی نبود بلکه جاذبه معنوی داشت. همه احرام پوشیده و مراسم حج را به جا آورده و در عرفات و منی دل را شکسته و در طواف و سعی سبکبار شده بودند. دارای حالت معنوی بودند و از روحی پرنشاط برخوردار و با حالت پذیرش و تسلیم به سخنان پیامبرشان گوش فرادادند. در چنین جمع معنوی بود که امامت امیرالمومنین علیه السلام اعلام گردید.

ج) انگیزه گردهم‌آیی در محل غدیر خم

پس از اعمال حج همه در حال بازگشت بودند که در سرزمین غدیر خم آن اجتماع عظیم حاجیان پراکنده می‌شد. مصری‌ها، عراقی‌ها، یمنی‌ها، مدنی‌ها هر کدام به راه خود می‌رفتند که بیک وحی رسید و فرمان ابلاغ امامت را آورد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد تا جمعیت باز ایستند. آنها که جلوتر رفته بودند، بازگشتند و آنان که هنوز نیامده‌اند به جمعیت ملحق شوند. اجتماع حاجیان در آن روز انگیزه‌های مادی یا تنها سیاسی و نظامی نداشت، بلکه بر اساس فرمان الهی و دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکل گرفت تا امامت علی علیه السلام و ولایت اهل بیت علیهم السلام تحقق یابد. کجاست کسی که با این مقام و منزلت به مسئولیتی منصوب شود آن هم مسئولیت امامت. کجایند آنهایی که به شورای شش نفره دل بسته بوده‌اند و با شش نفره خلافت رسیدند کجاست خلفایی که نامشان را در اذان‌ها بگویند و به خود و به امت خود فخر کنند که منم

امام المسلمین. آیا کس هست که نامی به غیر از علی ابن ابیطالب امیرالمومنین علی علیه السلام را به زبان آورد؟

۲- فراوانی و انبوه حاضران:

انبوه جمعیت حاجیان در روز غدیرخم که از سراسر بلاد اسلامی گرد آمده بودند یکی دیگر از ویژگی‌ها و منزلت‌های واقعه غدیر است و تعداد جمعیت را ۹۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر نقل کرده اند. که به هنگام بازگشت به شهر و دیار خویش در روز ۱۸ ذی الحجه الحرام، در منطقه غدیرخم به فرمان الهی گرد آمده و پس از شنیدن پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله با امیرالمومنین علی علیه السلام بیعت کردند. که این بیعت مردم در روز غدیر را بسیاری از مورخان و مفسران مشهور اعتراف کرده اند که ما در بخش‌های قبلی آنها را ذکر کرده ایم.

۳- تحقق بیعت عمومی و همگانی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از آغازین لحظه‌های بعثت و دعوت علنی مردم به اسلام ولایت و رهبری حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام را مطرح و تا آخرین لحظه‌های عمر بابرکتش (ماجرای حدیث قلم و دوات) این حقیقت را به روشنی بیان فرموده و تذکر داد.

فقط به اعلان و اظهار عقیده و سفارش و وصیت اکتفاء نفرموده بلکه در انتظار او امر الهی بود تا افکار عمومی مسلمین جهان را بیدار کند و آراء مسلمین را در پذیرش امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام هماهنگ نماید که سرانجام در یک فراندوم عمومی و اجتماعی بی مانند از همه اقشار مسلمین بیعت با امام علی بن ابیطالب تحقق پذیرد و در آرزوی پیک وحی لحظه شماری می‌کرد که جبرائیل در غدیرخم فرمان الهی را

ابلاغ فرمود. که از نظر اصول دموکراسی و شیوه‌های انسانی انتخابات، در جهان گذشته تاکنون بی نظیر می باشد زیرا: رهبران دنیا یا با کودتا قدرت را بدست می گیرند. و یا با روشهای دروغین مردم را اغفال می کنند و یا هرگز به آراء عمومی مردم توجهی نداشته و ندارند.

در سقیفه، ابابکر با ۲۱ رأی، ناگهان به خلافت می رسد و خود نیز بارها اعتراف کرد که: خلافت من «فلته» ناگهانی بود.

«دومی» در گرفتن قدرت، کاری به آراء و افکار عمومی نداشت، نه شورایی مطرح بود و نه انتخاباتی، نه مراجعه به افکار عمومی مسلمین وجود داشت و نه حتی مراجعه به آراء مهاجرین و انصار موجود در شهر مدینه. تنها می گفتند با وصیت ابابکر، عمر به خلافت رسید!!

«سومی» نیز در یک شورای شش نفره که داماد عمر حق ابطال یا قبول آراء موجود را داشت «حق وتو» خلافت را بدست گرفت. حال آنکه غدیر خم تحقق یک حماسه بی همانند در انتخاب رهبری بود. زیرا از طرفی نصب الهی دخالت داشت و پیام رسول خدا ﷺ روشن‌گراه انتخاب کنندگان بود. و از طرفی ۱۲۰ هزار شرکت کننده از یک شهر و قبیله نبودند بلکه از سراسر بلاد اسلامی و به همه اقشار انسانی تعلق داشتند که به امر پیامبر ﷺ با علی علیه السلام بیعت کردند.

۴- کیفیت والای واقعه غدیر

پس از انجام مراسم معنوی حج،

در میان انبوه مسلمین سراسر بلاد اسلامی،

در گذرگاه غدیر،

به هنگام پراکنده شدن حجاج یمنی و مصری و عراقی و شامی و مدنی،

با دستور رسول خدا ﷺ و فرمان از طرف خداوند،
در حضور پیامبر و با نظارت پیک وحی در آخرین سفر حج پیامبر ﷺ،
آخرین دستورالعمل‌های سرنوشت ساز وحی الهی بدون هیچ‌گونه
ابهام و اشاره و کنایه،
در روز روشن و بدون برگزاری در پشت درب‌های بسته یا باغ اهل
سقیفه!

با اطلاع عمومی و رسمی نه کودتا و انحراف افکار عمومی،
با آگاهی دادن به مردم و با ایراد خطبه‌ای گویا که همگان را به احکام
الهی و دستورات دینی آشکار ساخت و زحمات و کوشش‌های رسالت
را بیان فرمود و خیرخواهی خود را نسبت به امت اسلامی تذکر داده و با
بیعت تمام ۱۲۰ هزار نفر حجاج حاضر در غدیر خم، در طول ۳ شبانه روز
و... این واقعه با این کیفیت اتفاق افتاد.

۵- صراحت در گفتار

در روز غدیر خم در آن قیامت عظمی، پیامبر ﷺ فرمود: اکنون
جبرائیل بر من نازل شد تا پیام الهی را به همگان ابلاغ کنم. بگوئید تا
رفتگان باز گردند و... .

پس از اجتماع صد و بیست هزار نفر حاجی در آن هوای گرم، بر روی
جهاز شتران بالا رفت و پس از حمد و سپاس پروردگار و تذکر دادن
نعمت‌های فراوان الهی و یادآوری زحمات و رنج بزرگ دوران رسالت
و اتمام حجت با انبوه مسلمانان سراسر بلاد اسلامی به تشریح و تبیین
پیام الهی در امامت علی بن ابیطالب ع و فرزندان او تا قیام قیامت
پرداخت با کلماتی گویا و رسا، فصیح و بلیغ، روشن و آشکار، بی‌استعاره

و اشاره، با زبانی قابل فهم عموم مردم حاضر در صحنه، بی ترس و هراس و بدون شک و تردید که پس از آن خطبه گویا و بیان جاودانه و رسا، هیچکس در راه هدایت و انتخاب امام برحق تردیدی نداشت.

پیامبر در آن خطبه طولانی خود به:

اعلان نزول پیک وحی، برای معرفی امامت

اعلام علت صبر نمودن برای بیعت گرفتن به علی علیه السلام تاکنون

اعلام ولایت عمومی و جهانی امیرالمومنین علیه السلام

پرداخته و لیاقتها و ویژگی های علی علیه السلام، از جمله علم و دانش برتر امام، قدرت هدایتگری انسانها، حق گرائی، باطل ستیزی، شجاعت در را خدا، اولین مسلمان، اولین ایمان آورنده به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، فداکاری، جانشین بحق، ولی و وصی بودن، رهبر هدایتگر، خداگرایی و جهادگری علی علیه السلام و سایر مواردی که پیامبر بزرگوار اسلام لیاقت و ویژگی امام علیه السلام را در همین خطبه طولانی یادآور شدند.

همچنین

تکمیل دین با ولایت علی علیه السلام

افشای چهره واقعی دشمنان علی علیه السلام

هشدار به قدرت طلبان که منتظر فرصت بودند تا بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان خود را شکسته و مردم را به جاهلیت برگرداند.

مسئولیت همگانی برای تبلیغ این واقعه مهم.

دعا و درخواست از خدا و نیایش با پروردگار

فرمان بیعت عمومی برای تمام حاضرین و...

از دیگر مواردی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن اشاره فرمودند.

که ما از آوردن تمام خطبه خودداری می‌کنیم و علاقمندان را دعوت می‌کنیم تا جهت مطالعه بیشتر به کتب معتبر از جمله «الغدیر» مراجعه نمایند.

۶- گواهی حاضران در صحنه غدیر

مسلمانان جهان از سراسر بلاد اسلامی از دور و نزدیک در حجه‌الوداع حضور داشتند و دیدند و شنیدند آنچه را که باید می‌دیدند و می‌شنیدند و پس از اتمام بیعت عمومی و برگشتن تمام حاجیان به شهرها و بلاد خود، وظیفه داشتند تا این واقعه را به تمام اهل دیار خود برسانند و البته چنین هم شد و این حماسه برای همیشه در دلها و تاریخ مسلمین ثبت گردید. که از آن میان ۱۴۶ نفر از اصحاب و یاران پیامبر گرامی اسلام گواهی آنان در کتب تاریخ ثبت شده است. که البته فقط این تعداد در کتب مختلف نامشان ثبت شده و هزاران نفر از اصحاب رسول خدا ﷺ از مهاجر انصار بودند که گواهی آنان در کتب مدون فریقین نیامده است که تازنده بودند از گواهان حدیث غدیر به شمار می‌آمدند. و تعداد کثیری هم بودند که این واقعه را فقط خود حفظ کرده و آنرا انتشار ندادند حال چه به عمد و چه بعلم مختلف از جمله اینکه تعداد زیاد روایت کنندگان و احساس اینکه به روایت وی نیازی نیست و از این اقسام دلایل.

۷- راویان و مفسران فراوان حدیث غدیر

تعداد راویان این واقعه که از قرن اول تاکنون ۵۵۷ نفر و در بعضی منابع ۵۱۴ نفر^۱ و... می‌باشند در حقیقت به مهمترین و اصلی‌ترین

۱- حماسه غدیر، محمد دشتی، ص ۶۱

ویژگی و منزلت عید غدیر خم دلالت دارد که در بخشهای پیشین در این ارتباط بحثهای مفصلی شد و نام تعدادی از راویان را در آنجا ذکر نمودیم.

آری این غدیر است با این ویژگی‌های منحصر بفرد که در هیچ یک از وقایع بیست و چند ساله پیامبر ﷺ از آغاز دوران بعثت تا آن زمان وجود نداشت.

آری غدیر، نمایشگر اتحاد و پیوند رسالت به امامت، و نبوت به ولایت است، و حکایت از آن می‌کند که همچون دو پستانی هستند که برای اشراب و ارضاع طفل شیرخوار، پیوسته ملازم و مقارن و رفیق یکدیگرند، و یا همچون دو نهالی که از یک ریشه و بن روئیده شده و بهم پیوسته‌اند.

غدیر، نمایشگاه «علی منی» و «انا منه» در برابر دیدگان جمیع خلائق و همگی امت، و اعلان و اعلام این واقعیت به جهانیان تا روز بازپسین است.

غدیر، محل ظهور حقائق مخفیه، و بواطن مخفیه، و ارشاد و هدایت مردمان به این راه است.

غدیر، صراط مستقیم و شاهراه اعلای انسانیت به مقام عرفان و ولایت کلیه حق است.

غدیر، مقام قالب‌گیری قضاء کلیه الهیه به عالم قدر، و اندازه‌گیری و تعیین و تشخیص و معرفی نور نامحدود حضرت احدیت در اسماء و صفات مرئی و مشاهد خلق، و ربط قدیم و حادث، و نزول تجرد و بساطت در قیود و حدود امکانیه، برای دسترسی همه خلائق و استفاده از ماء معین و آبشخوار فیض و رحمت و سعادت و برکت است.

غدیر، روز تاجگذاری و عمامه‌گذاری رسول الله با دست شریف خود بر سر مولی الموحدین است.

غدیر روز «من كنت مولاه فعلى مولاه» است.

غدیر روز «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله» است.

غدیر روز بیعت با حق است، روز سرسپردگی است، روز مبادله و معامله نفس با خداوند نفس، روز داد و ستد جنود شیطان با جنود رحمان، روز فراق ظلمت و ورود در جهان روشنی است.

غدیر روز محک است، روز تمایز ایمان و کفر، و خلوص و نفاق، و صفا و حیله و نور و تاریکی است.

غدیر روز درخشش خورشید عالمتاب از پس پرده‌های ابرگران، و تابش در دل‌های جانداران است.

غدیر روز تعریف راستین، و برکناری خوف از شیطان، و سرآمدن زمان تقیه، و وحی امر الزامی بر لزوم کشف حجاب حقیقت از روی چهره ولایت، و ابراز هویت است.

غدیر روز «بخ بخ لک یا علی اصباح و امسیت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه» است.

غدیر روز عید اکبر، روز بلند کردن رسول خدا علی بن ابیطالب را در مرای و مسمع مردم، و خواندن خطبه و امر به تسلیم امت در برابر اوامرو و نواهی مولای متقیان است.

غدیر تنها نام یک سرزمین نیست. یک تفکر است، نشانه و رمزی است که از تداوم خط نبوت حکایت می‌کند. غدیر نقطه تلاقی کاروان

رسالت با طلایه داران امامت است.

آری غدیر یک سرزمین نیست، چشمه‌ای است که تا پایان هستی می‌جوشد، کوثری است که فنا بر نمی‌دارد، افقی است بی کرانه و خورشیدی است عالمتاب.

در غدیر، عترت، همتای قرآن معرفی می‌شود: **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي**، و این دو همتای وزین تا همیشه، جدایی ناپذیرند: **لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ**.

پس عترت بسان قرآن است و اوصاف قرآنی دارد. اگر قرآن خود را «نور»، «هادی»، «بیان»، «تبیان»، «شفاء»، «حَقُّ» و... وصف کرده، عترت نیز چنین خواهد بود، چرا که نور و ظلمت، هادی و مضل، شفاء و درد، حق و باطل، بیان و ابهام همتای هم نیستند، تنها نور با نور، حق با حق، شفاء با شفاء و... می‌توانند دو ثقل جدایی ناپذیر باشند، و این یعنی عصمت عترت، یعنی حجیت کلام، فعل و تقریر آنان. زیرا آنچه نور است، ظلمت را در آن راهی نیست، و آنچه حق است، از باطل به دور است، و هادی، از اضلال مبرا است، و بیان و تبیان، مجمل نیست تا روشن‌گر بخواند و این یعنی عصمت و حجیت سنت آنان. **«فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»**.

در غدیر، عترت به مقام مولایی و جانشینی رسول الله ﷺ برمی‌نشینند. رسول صلا می‌دهد: **أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟** امت پاسخ را به خدا و رسول و امی گذارد و پیامبر ﷺ می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ مَوْلَىٰ وَ أَنَا مَوْلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنَا أَوْلَىٰ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ**. مسلمانان به مولایی و اولویت رسول اعتراف می‌کنند و ایشان این منصب را به جانشین خود و امی گذارد و می‌گوید: **فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتَ مَوْلَاهُ**.

این بود پیام غدیر: عصمتِ عترت، حجّیتِ سنّتِ عترت، جانشینی و خلافتِ عترت.^۱

۸- غدیر و آشکار شدن توطئه‌های پنهان

از آغاز بعثت رسول خدا ﷺ و پیدایش مخالفت‌ها و تضادها و درگیری‌ها و بکارگیری انواع شکنجه و آزار جسمی و روحی پیامبر ﷺ و یاران ایشان و عدم تسلیم ایشان در برابر هجوم مشکلات، و گسترش اسلام و اوج‌گیری همه‌جانبه مقاومت مسلمانان در برابر انواع تهاجمات مشرکین و کفار، هر روز بر تعداد مسلمانان افزوده می‌شد و مردم فوج فوج به اسلام می‌گرویدند.

اما اغراض و خواسته‌ها متفاوت بود و هرکدام از آنها به دلایل خاصی اسلام آورده بود. گروهی با اخلاص و یقین ایمان آوردند و تا مرز شهادت پیش رفتند و گروهی دیگر چون بازار اسلام را گرم دیدند جذب شدند. برخی از ستم سران قریش به ستوه آمده بودند و بعضی‌ها هم همواره بر سر دوراهی قرار داشتند، دستی برای بیعت و پایی برای فرار آماده داشتند. اگر پیروزی اسلام مطرح بود جانبداری می‌کردند، شعارها می‌دادند و اگر روزی ضعفی در سپاه اسلام مشاهده می‌نمودند فرار می‌کردند. از جمله ابابکر و عمر که بنا به قول اکثریت قریب به اتفاق مورخان، هر دو در لحظات حساس فرار می‌کردند.^۲

بعضی دیگر راه رسیدن به قدرت و حکومت را هماهنگی با اسلام

۱- برگرفته از ماهنامه کوثر، ش ۲، محمدجواد صاحبی

۲- طبقات ج ۳ ص ۱۵۵ ابن سعد- سیره نبوی ج ۳ ص ۵۸ ابن کثیر شافعی البدایه و النهایه ج ۴ ص ۲۹ کنزالعمال ج ۱۰ ص ۲۶۸- و همچنین ۲۵ منبع موثق دیگر که همه آنها به این واقعیت اشاره کرده‌اند.- به نقل از حماسه غدیر محمد دشتی ص ۹۱

و پیامبر ﷺ می دانستند. پس همه یکسان نبودند گاهی در شمار مسلمین بودند و برضد پیامبر ﷺ نقشه‌ها می کشیدند و دروغ و تهمت به نام ایشان پخش می کردند، گاهی سخنان وحی گونه ایشان را به استهزاء می گرفتند، قبول نمی کردند و آنرا طرد می نمودند.

این گرایشها و اقسام مخالفان و منافقان و فرصت طلبان بگونه‌ای پنهان و ناپیدا در جامعه اسلامی با هزار رنگ‌کاری و...، تظاهر به حمایت از دین و یاری پیامبر ﷺ می کردند و خداوند و پیامبر ﷺ نیز آنان را رسوا نکرده بودند و به ظاهر، تسلیم شدن آنان را پذیرفتند و آنان را از حقوق اجتماعی مومنین محروم نکردند تا آنکه آزمایش نهایی الهی با اعلام ولایت علی علیه السلام در غدیر خم مطرح شد که در آن آزمایش عقیدتی، همه امتحان شدند و روشن شد که چه کسانی به سخنان پیامبر ﷺ و دستورات الهی ایمان و اعتقاد داشته و چه کسانی ندارند و از آن سرباز می‌زنند؟

چه کسانی به ظاهر بیعت می‌کنند و سپس پیمان بیعت را می‌شکنند؟ و چه کسانی بر بیعت با امامت حضرت علی علیه السلام پایدار می‌مانند و تا مرز شهادت پیش می‌روند؟

چه افرادی با شنیدن امامت علی علیه السلام خوشحال می‌گردند و چه گروهی نگران شده و دست به نقشه‌های خطرناک می‌زنند.

واقعه غدیر خم مومن و منافق، مسلمان و متظاهر به اسلام، وفادار و پیمان شکن را به روشنی شناساند و نشان داد که مرز ایمان و کفر کدام است. اگر حادثه غدیر خم نبود و گروههای متفاوت اجتماعی مسلمین به همان صورت یاد شده، با همان اختلافها و تضادها و انواع گرایشها باقی می‌ماندند و رسول خدا از جهان رخت برمی‌بست، اساس اسلام

و بنیان ایمان در خطر بود و راهی برای شناخت حق و باطل و شناخت امام هدایت و رهبر ضلالت وجود نداشت، برای همین جهت پیام الهی فرارسید و آیه تبلیغ نازل گشت.

پس از نزول فرشته وحی، و اعلان عمومی، و تحقق بیعت پیامبر و مردم با علی علیه السلام، نهان‌ها آشکار گردید و کینه‌های چندین ساله شکل گرفت و خط نفاق و کفر و عصیان به هم نزدیک شدند و توطئه‌های پنهانی رخ نشان داد. زیرا مخالفان و منافقان که با گرایشهای مختلف و اهداف گوناگون گرد پیامبر جمع شده بودند به یکباره سرگردان شدند که چه باید کرد و چه کاری می‌توان انجام داد.

آنها منتظر آینده‌ای نزدیک بودند تا پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرده‌ها را بالا بزنند و اهداف پنهانی خود را با نام مصلحت دینی تحقق بخشند. اما فکر نمی‌کردند غافلگیر شوند و پیک وحی همه بافته‌های ذهنی آنان را نقش بر آب کند و ولایت علی علیه السلام اعلام و با بیعت عمومی مسلمین سامان گیرد.

این واقعه چنان بر آنها سنگین بود که از طرح ریزی هر نقشه و طرحی عاجز ماندند و مصلحت را در آن دیدند که سیاست پنهان کاری و نفوذ و ضربه را تداوم دهند و باز برای فرصت مناسب تری روز شماری کنند و به ظاهر بیعت نمودند.

اما باید برخی از کارها را نیز انجام می‌دادند تا پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران را بیازمایند. مثل مخالفت علنی برخی از حاضران از جمله حارث بن نعمان فهري که دشمن امام بود و با عدم قبول امامت ایشان، از خداوند فرود آمدن سنگی برای او را در صورت صحیح بودن امامت درخواست کرد که اتفاقاً دعای وی نیز مستجاب شد و همان لحظه سنگی از

آسمان فرود آمد و وی را به هلاکت رساند.

همچنین مخالفان حضرت که فکر می‌کردند در بن بست کاملی قرار دارند تصمیم گرفتند با رم دادن شتر آن حضرت در دره‌های عمیق که راه کوهستانی عقبه بود، بگونه‌ای که همگان فکر کنند بصورت طبیعی و اتفاقی این کار انجام شده، ایشان را ترور نمایند. که این نقشه نیز با پیک وحی و آگاهی دادن پیامبر، نافرجام ماند. هرچند آنان از فرصت خوب استفاده کرده و با شمشیرهای برهنه خود به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حمله کردند. ولی با مقاومت بی‌نظیر عمار یاسر و حذیفه روبرو شدند که مجبور به فرار شدند.

حذیفه گفت یا رسول الله آنها چه کسانی بودند:

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود نگاه کن:

در آن هنگام برقی جهید و چهره آنان آشکارا دیده شد که حذیفه با شگفتی چهره افراد زیر را بدرستی شناخت: ابابکر، عمر، طلحه، عبدالرحمن عوف، سعد بن ابی وقاص، ابو عبیده جراح، معاویه، عمرو بن عاص، ابوموسی اشعری و...^۱

با این ترور نافرجام بود که همه دانستند چه اختلافاتی پدید خواهد آمد و به روشنی حوادث تلخ آینده را می‌نگریستند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم این نکته را به خوبی درک کرد و چون هر لحظه احتمال می‌رفت که از غدیر خم تا مدینه در آن راه طولانی تشکل‌های شیطانی شکل گیرد و دست به یک سلسله حرکات مذبوحانه بزنند که برای جهان اسلام

۱- کشف الیقین؛ ص ۱۲۷، علامه حلی ارشاد القلوب ص ۱۱۲ و ۱۳۵ دیلمی و بحار الانوار ج ۲۸ ص

۸۶ علامه مجلسی - به نقل از ک: حماسه غدیر محمد دشتی، ص ۱۰۸

و وحدت مسلمین ناخوشایند باشد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور دادند در طول راه تا رسیدن به شهر مدینه دو نفر یا سه نفر حق ندارند گرد هم آیند و زیر گوش با هم سخن بگویند. و با این فرمان، تشکل های شیطانی ضربه خورد و اجتماعات توطئه آمیز لغو گردید^۱

همچنین از دیگر کارهایی که منافقان طرح ریزی کردند و به برکت واقعه غدیر شناخته شدند، طرح طومار برای اعلان مخالفت علنی با ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَام بود که عهد نامه ای را تنظیم و آنرا امضاء و از عمق، کینه توزی قریش و مخالفان علی عَلَيْهِ السَّلَام را به اثبات رساندند که نام ابوسفیان و فرزند ابی جهل و صفوان بن امیه و خالد بن ولید در رأس همه امضاءها به چشم می خورد.

ابوسفیانی که که در جنگ های مکرر از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سیلی خورد و خالد که دست او تا آرنج در خون شهیدان اسلام رنگین است^۲ یعنی سردمداران شرک و کفر دست در دست منافقان مسلمان نما گذاشته اند تا خورشید ولایت را انکار کنند که اینها هیچکدام قبل از غدیر خم وجود نداشت و با واقعه غدیر همه آنان رسوا شدند و تاریخ چهره واقعی آنان را برای همیشه ثبت و بر همگان شناساند و فقط یک دل بیدار و یک وجدان آگاه می خواهد تا این حقایق را بفهمد.

۱- مراجعه شود به مدارک ترور نافرجام (کشف الیقین- ارشاد القلوب- بحار الانوار)

۲- به نقل از ک: حماسه غدیر، محمد دشتی، ص ۱۱۹



منزلت هشتم

نمونه‌ای از فرمایشات گهربار رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم
رهبری در ارتباط با غدیر

۱- امام خمینی رحمة الله علیه

... مسئله غدیر مسئله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک
مسئله پیش بیاورد، حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است، آن
وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است
که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد. آن که ارزش دارد
خود حضرت است که دنبال آن، ارزش غدیر آمده است. خدای تبارک
و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست
که بتواند عدالت را آن طوری که باید انجام بدهد، آن طوری که دلخواه
است انجام بدهد، مأمور می‌کند رسول الله را که این شخص را که

قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد این را نصب کن. نصب حضرت امیر به خلافت این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد. مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود....

زنده نگه داشتن این عید نه تنها برای این است که چراغانی بشود و قصیده خوانی بشود و مداحی بشود، اینها خوب است اما مسئله این نیست، مسئله این است که به ما یاد بدهند که چطور باید تبعیت بکنیم، به ما یاد بدهند که غدیر منحصر به آن زمان نیست، غدیر باید در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است باید روش ملتها و دست اندرکاران باشد. قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است، که قابل نصب است و الا مقامات معنوی قابل نصب نیست یک چیزی نیست که با نصب، آن مقام، پیدا بشود...^۱

۲- مقام معظم رهبری

... غدیر یک مساله اسلامی است یک مساله فقط شیعی نیست. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم یک روز سخنی بر زبان رانده و عملی انجام داده است که این سخن و این عمل، از ابعاد گوناگون دارای درس و معناست. نمی شود ما بگوییم که از غدیر و حدیث غدیر، فقط شیعه استفاده کند اما بقیه مسلمانان از محتوای بسیار غنی ای که در این کلام شریف نبوی هست و مخصوص یک دوره هم نیست، بهره نبرند. البته چون در قضیه غدیر، نصب امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام به امامت و ولایت وجود دارد، شیعه یک دل بستگی بیشتری به این روز و این حدیث

دارد ولی مضمون حدیث غدیر، فقط مساله نصب امیرالمومنین به خلافت نیست مضامین دیگری هم دارد که همه مسلمانان می‌توانند از آن بهره ببرند.

در مورد اصل واقعه غدیر، خوب است که همه افرادی که به مسایل تاریخ اسلام علاقه‌مندند، بدانند که قضیه غدیر، یک قضیه مسلم است مشکوک نیست فقط شیعیان نیستند که آن را نقل کرده‌اند بلکه محدثان سنی چه در دوره‌های گذشته، چه در دوره‌های میانی و بعدی این ماجرا را نقل کرده‌اند یعنی همین ماجرای که در سفر حجة الوداع پیامبر اکرم در غدیر خم اتفاق افتاد.

... این را همان طور که لابد شنیده‌اید، برادران اهل سنت ما در کتابهای معتبر، نه یکی، نه دو تا، در دهها کتاب معتبر نقل کرده‌اند. که مرحوم علامه ی‌امینی اینها را جمع کرده است، و غیر از ایشان هم کتابهای زیادی در این خصوص نوشته‌اند. بنابراین، این روز، اولاً روز ولایت است ثانیاً روز ولایت امیرالمومنین است.

در این جمله‌ای که پیامبر بیان کرده‌اند، معنای ولایت چیست؟ به طور خلاصه معنایش این است که اسلام در نماز و روزه و زکات و اعمال فردی و عبادات خلاصه نمی‌شود، اسلام دارای نظام سیاسی است، حکومتی بر مبنای مقررات اسلامی پیش بینی شده است. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، ولایت است. ولایت، چه طور حکومتی است؟

... ولایت، یعنی آن حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت آمیز است مردم به او متصل و پیوسته‌اند به او علاقه‌مندند و او منشا همه این نظام

سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده خدا می‌انگارد. استکبار در ولایت وجود ندارد.

حکومتی که اسلام معرفی می‌کند، از دموکراسی‌های رایج دنیا مردمی‌تر است با دلها و افکار و احساسات و عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد حکومت در خدمت مردم است. از جنبه مادی، حکومت برای شخص حاکم و ولی و تشکیلات حکومتی، به عنوان یک طعمه نباید محسوب بشود و الا ولایت نیست.

... در غدیر، مساله ولایت، به عنوان یک امر رسمی از سوی پیامبر مطرح شد و امیرالمومنین به عنوان مصداق آن تعیین گردید.

... همین مساله غدیر هم می‌تواند مایه وحدت باشد همچنان که مرحوم آیت الله شهید مطهری مقاله‌ای با عنوان الغدیر و وحدت اسلامی دارد. او کتاب الغدیر را که درباره مسائل مربوط به غدیر است یکی از محورهای وحدت اسلامی می‌داند که درست هم است. ممکن است به نظر عجیب بیاید، اما واقعیت مطلب همین است. خود مساله غدیر، غیر از آن جنبه‌یی که شیعه آن را به عنوان اعتقاد قبول کرده است یعنی حکومت منصوب امیرالمومنین از طرف پیامبر، که در حدیث غدیر آشکار است اصل مساله ولایت هم مطرح شده است، این دیگر شیعه و سنی ندارد. اگر امروز مسلمانان جهان و ملتهای کشورهای اسلامی شعار ولایت اسلامی را سر بدهند، بسیاری از راههای نرفته و گرههای ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد شد. مساله حکومت و نظام سیاسی و حاکمیت سیاسی، یکی از دشوارترین مسائل برای کشورهاست.

بعضی کشورها دچار استبداد و دیکتاتوری اند بعضی دچار

حکومت‌های فاسدند، بعضی دچار حکومت‌های ضعیف‌اند بعضی دچار حکومت‌های دست‌نشانده‌اند. اگر حکومت اسلامی به معنای حقیقی یعنی همان ولایت به عنوان شعار برای مسلمانان مطرح بشود، علاج ضعف را هم می‌کند علاج اقتصاد را هم می‌کند علاج دست‌نشانده‌گی را هم می‌کند علاج دیکتاتوری را هم می‌کند. بنابراین، پرچم ولایت، یک پرچم اسلامی است. من از همه برادران شیعه و سنی در کشور خودمان دعوت می‌کنم فعلاً آن محدوده جغرافیایی خودمان را مطرح می‌کنم که به مساله غدیر با این چشم نگاه کنند و این بخش از حدیث غدیر و مساله غدیر را مورد توجه قرار دهند.

برادران سنی ما هم مثل ما روز غدیر را عید بگیرند عید ولایت برای این که اصل تولد مساله ولایت، اهمیتش بسیار زیاد است، مثل اهمیت ولایت امیرالمومنین که این دیگر بین ما و برادران سنی مشترک است...!



منزلت نهم

«عید» غدیر خم

عید غدیر، یک عید اصیل اسلامی است. چرا که روز هجدهم ذی الحجه را مسلمانان در سه قرن اول، به این عنوان جشن می‌گرفته‌اند. گفتار مقریزی که می‌گوید: «اولین باری که این عید در اسلام معروف شد، در زمان فرمانروایی معز لدوله علی بن بویه، در عراق بود، وی آن را به سال سیصد و پنجاه و دو هجری، بوجود آورد و از آن پس، شیعیان این روز را عید قرار دادند»^۱، غیر صحیح و قابل قبول نیست. زیرا مسعودی گفته است: «فرزندان و شیعیان علی رضی الله عنه، این روز را گرامی می‌داشتند»^۲ و این در حالی است که مسعودی شش سال قبل از تاریخی که مقریزی می‌گوید، یعنی به سال سیصد و چهل و شش هجری، فوت کرده است.

۱- الخطط مقریزی، ج ۱، ص ۲۸۸
۲- التنبيه والاشراف، ص ۲۲۱ و ۲۲۲

فرات بن ابراهیم از دانشمندان قرن سوم، حدیثی را از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت در آن از آباء طاهرینش علیهم السلام نقل می‌کند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«روز غدیر از بهترین اعیاد امت من است...»^۱

امام علی علیه السلام در سالی که روز جمعه و روز غدیر با هم مصادف شده بود، برای مردم خطبه خواند و در آن فرمود:

«ان الله عز و جل جمع لکم معشر المؤمنین فی هذا الیوم عیدین عظیمین کبیرین...»

«خدای عزوجل در این روز، دو عید عظیم بزرگ را برای شما گروه مؤمنان جمع کرده است.» در این خطبه طولانی امام مردم را به انجام کارهایی که شایسته است در اعیاد انجام گردد و اظهار شادی و سرور در این گونه ایام - بطور تفصیل - امر می‌کند. طالبین به این خطبه مراجعه کنند.^۲

احادیث اهل بیت علیهم السلام در مورد منزلت و عظمت عید غدیر

۱- برترین عید امت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «روز غدیر خرم برترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند بزرگ دستور داد؛ آن روز برادر من علی بن ابی طالب را به عنوان پرچمدار (و فرمانده) امتم منصوب کنم، تا بعد از من مردم توسط او هدایت شوند، و آن روزی است که خداوند در آن روز دین

۱- «یوم غدیر خرم افضل اعیاد امتی...» الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲- به نقل از ماهنامه کوثر، عید غدیر در اسلام، علامه جعفر مرتضی‌العاملی

را تکمیل و نعمت را برامت من تمام کرد و اسلام را به عنوان دین برای آنان پسندید.»^۱

۲- عید بزرگ خدا

«امام صادق علیه السلام فرمود: روز غدیرخیم عید بزرگ خداست، خدا پیامبری مبعوث نکرده، مگر اینکه این روز را عید گرفته و عظمت آن را شناخته و نام این روز در آسمان، روز عهد و پیمان و در زمین، روز پیمان محکم و حضور همگانی است.»^۲

۳- عید ولایت

«به امام صادق علیه السلام گفته شد: آیا مؤمنان غیر از عید فطر و قربان و جمعه عید دیگری دارند؟ فرمود:

آری، آنان عید بزرگتر از اینها هم دارند و آن روزی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیرخیم بالا برده شد و رسول خدا مساله ولایت را برگردن زنان و مردان قرار داد.»^۳

۱- یوم غدیرخیم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیه بنصب اخی علی بن ابی طالب علما لامتی، یهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل الله فیه الدین و اتم علی امتی فیه النعمه و رضی لهم الاسلام دینا. امالی صدوق: ۱۲۵، ح ۸.

۲- عن الصادق علیه السلام قال: هو عید الله الاکبر، و ما بعث الله نبیا الا و تعید فی هذا الیوم و عرف حرمته و اسمه فی السماء یوم العهد المعهود و فی الارض یوم الميثاق الماخوذ و الجمع المشهود. وسائل الشیعه، ۵: ۲۲۴، ح ۱.

۳- قیل لابی عبد الله علیه السلام: للمؤمنین من الاعیاد غیر العیدین و الجمعه؟ قال: نعم لهم ما هو اعظم من هذا، یوم اقیم امیرالمؤمنین علیه السلام فعقد له رسول الله الولاية فی اعناق الرجال والنساء بغدیرخیم. وسائل الشیعه، ۷: ۳۲۵، ح ۵.

۴- روز تجدید بیعت

«عمار بن حریز گوید: روز هجدهم ماه ذیحجه خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و آن حضرت را روزه یافتم. امام به من فرمود: امروز، روز بزرگی است، خداوند به آن عظمت داده و آن روز دین مؤمنان را کامل ساخت و نعمت را بر آنان تمام نمود و عهد و پیمان قبلی را تجدید کرد.»^۱

۵- عید آسمانی

«امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم به نقل از پدرش (امام صادق علیه السلام) نقل کرد که فرمود: روز غدیر در آسمان مشهورتر از زمین است.»^۲

۶- عید بی نظیر

«علی علیه السلام فرمود: امروز (عید غدیر) روز بس بزرگی است. در این روز گشایش رسیده و منزلت (کسانی که شایسته آن بودند) بلندی گرفت و برهان‌های خدا روشن شد و از مقام پاک با صراحت سخن گفته شد و امروز روز کامل شدن دین و روز عهد و پیمان است.»^۳

۷- عید پربکت

«امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم اگر مردم فضیلت واقعی «روز

۱- عن عمار بن حریز قال دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فی یوم الثامن عشر من ذی الحجه فوجدته صائماً فقال لی: هذا یوم عظیم عظم الله حرمة علی المؤمنین واکمل لهم فیہ الدین و تمم علیهم النعمه و جدد لهم ما اخذ علیهم من العهد والميثاق. مصباح المتعجد: ۷۳۷.

۲- قال الرضا علیه السلام: حدثنی ابی، عن ابیه علیه السلام قال: ان یوم الغدیر فی السماء اشهر منه فی الارض. مصباح المتعجد: ۷۳۷.

۳- قال علی علیه السلام: ان هذا یوم عظیم الشان، فیہ وقع الفرج، و رفعت الدرج و وضحت الحجج وهو یوم الايضاح والافصاح من المقام الصراح، ویوم کمال الدین ویوم العهد المعهود... بحار الانوار، ۹۷: ۱۱۶.

غدیر» را می‌شناختند، فرشتگان روزی ده بار با آنان مصافحه می‌کردند و بخششهای خدابه‌کسی که آن روز را شناخته، قابل شمارش نیست»^۱.

۸- عید فروزان

«امام صادق علیه السلام فرمود: ... روز غدیرخم در میان روزهای عید فطر و قربان و جمعه همانند ماه در میان ستارگان است.»^۲

۹- روز اطعام

«امام صادق علیه السلام فرمود: عید غدیر، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بعنوان پرچمدار برای مردم برافراشت و فضیلت او را در این روز آشکار کرد و جانشین خود را معرفی کرد، بعد بعنوان سپاسگزاری از خدای بزرگ آن روز را روزه گرفت و آن روز، روز روزه‌داری و عبادت و طعام دادن و به دیدار برادران دینی رفتن است. آنروز روز کسب خشنودی خدای مهربان و به خاک مالیدن بینی شیطان است.»^۳

۱۰- روز سپاس و شادی

«امام صادق علیه السلام فرمود: عید غدیر، روز عبادت و نماز و سپاس و ستایش خداست و روز سرور و شادی است به خاطر ولایت ما خاندان

۱- عن الصادق علیه السلام: والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات ...

وما اعطى الله لمن عرفه ما لا يحصى بعدد. مصباح المتعجد: ۷۳۸.

۲- قال ابو عبد الله علیه السلام: ... و يوم غدیر بین الفطر والاضحی و يوم الجمعة كالقمر بین الكواكب. اقبال سید بن طاووس: ۴۶۶.

۳- قال ابو عبد الله علیه السلام: ... و انه اليوم الذي اقام رسول الله صلی الله علیه و آله عليا علیه السلام للناس علما و ابان فيه فضله و وصيه فصام شكرا لله عزوجل ذلك اليوم و انه ليوم صيام و اطعام و صلته الاخوان و فيه مرضاه الرحمن، و مرغمه الشيطان. وسائل الشيعه ۷: ۳۲۸، ضمن حديث ۱۲.

که خدا بر شما منت گذارد و من دوست دارم که شما آن روز را روزه بگیرید.»^۱

۱۱- روز نیکوکاری

«از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: یک درهم به برادران با ایمان و معرفت، دادن در روز عید غدیر برابر هزار درهم است، بنابراین در این روزه به برادرانت انفاق کن و هر مرد وزن مؤمن را شاد گردان.»^۲

۱۲- روز تبریک و تهنیت

«علی علیه السلام فرمود: بعد از پایان گردهم آیی خود (در روز غدیر) به خانه برگردید، خدا بر شما رحمت فرستد. به خانواده خود گشایش و توسعه دهید، به برادران خود نیکی کنید، خداوند را بر این نعمت که شما را بخشیده است، سپاس گزارید، متحد شوید تا خدا به شما وحدت بخشد، نیکویی کنید تا خدا دوستیتان را پایدار کند، به همدیگر نعمت خدا را تبریک بگوئید، همانطور که خداوند در این روز با چندین برابر عیدهای دیگر پاداش دادن به شما تبریک گفته، این گونه پاداشها جز در روز عید غدیر نخواهد بود.»^۳

۱- قال ابو عبد الله علیه السلام: ... هو یوم عباده و صلوه و شکر لله و حمد له، و سرور لما من الله به علیکم من ولایتنا، و انی احب لکم ان تصوموه. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۸، ح ۱۳.

۲- عن الصادق علیه السلام: ... و لدرهم فیه بالف درهم لاخوانک العارفين، فافضل علی اخوانک فی هذا الیوم و سرفیه کل مؤمن و مؤمنه. مصباح المتجهد: ۷۲۷.

۳- قال علی علیه السلام: عودوا رحمکم الله بعد انقضاء مجمعکم بالتوسعه علی عیالکم، و البر باخوانکم و الشکر لله عزوجل علی ما منکم، و اجتمعوا یجمع الله شملکم، و تباروا یصل الله الفتکم، و تهانوا نعمه الله کما هنا کم الله بالثواب فیه علی اضعاف الاعیاد قبله و بعده الا فی مثله ... بحار الانوار ۹۷: ۱۱۷.

۱۳- عید اوصیاء

«امام صادق علیه السلام فرمود: در روز عید غدیر، خدا را با روزه و عبادت و یاد پیامبر و خاندان او یادآوری کنید، زیرا رسول خدا به امیرالمؤمنین سفارش کرد که آن روز را عید بگیرد، همینطور پیامبران هم به جانشینان خود سفارش می‌کردند که آن روز را عید بگیرند، آنان هم چنین می‌کردند.»^۱

۱۴- روز گشایش و درود

«امام صادق علیه السلام فرمود: ارزش عمل در آن روز (عید غدیر) برابر با هشتاد ماه است، و شایسته است آن روز ذکر خدا و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد شود، و مرد، بر خانواده خود توسعه دهد.»^۲

۱۵- نماز روز غدیر

«امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در روز عید غدیر هر ساعتی که خواست، دو رکعت نماز بخواند و بهتر اینست که نزدیک ظهر باشد که آن ساعتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن ساعت در غدیر خم به امامت منصوب شد، (هر که چنین کند) همانند کسی است که در آن روز حضور پیدا کرده است...»^۳

۱- عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ... تذکرون الله عز ذکره فیه بالصیام والعباده والذکر لمحمد و آل محمد، فان رسول الله صلی الله علیه و آله اوصی امیرالمؤمنین ان یتخذ ذلک الیوم عیداً، و کذلک کانت الاتبیاء تفعل، کانوا یوصون اوصیائهم بذلک فیتخذونه عیداً. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۷، ح ۱.

۲- عن ابی عبد الله علیه السلام قال: والعمل فیه یعدل ثمانین شهراً، و ینبغی ان یکثر فیه ذکر الله عزوجل، والصلوه علی النبی صلی الله علیه و آله، و یوسع الرجل فیه علی عیاله. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۵، ح ۶.

۳- عن ابی عبد الله علیه السلام قال: و من صلی فیه رکعتین ای وقت شاء و افضله قرب الزوال و هی الساعه التی اقیم فیه امیرالمؤمنین علیه السلام بغدیر خم علماً للناس و... کان کمن حضر ذلک الیوم... وسائل الشیعه ۵: ۲۲۵، ح ۲.

۱۶- روزه غدیر

«امام صادق علیه السلام فرمود: روزه روز غدیر خم با روزه تمام عمر جهان برابر است. یعنی اگر انسانی همیشه زنده باشد و همه عمر را روزه بگیرد، ثواب او به اندازه ثواب روزه عید غدیر است.»^۱

۱۷- زندگی پیامبرگونه

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که می خواهد زندگی و مرگش همانند من باشد و در بهشت جاودانه ای که پروردگارم به من وعده کرده، ساکن شود، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را انتخاب کند، زیرا او هرگز شمارا از راه هدایت بیرون نبرده، به گمراهی نمی کشاند.»^۲

۱۸- پیامبر و امامت علی علیه السلام

«جابر بن عبد الله انصاری می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: ای علی، تو برادر و وصی و وارث و جانشین من در میان امت من در زمان حیات و بعد از مرگ منی. دوستدار تو دوستدار من و دشمن تو دشمن من است.»^۳

۱- قال الصادق علیه السلام: صیام یوم غدیر خم یعدل صیام عمر الدنیا لو عاش انسان ثم صام ما عمرت الدنیا لکان له ثواب ذلک. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۴، ح ۴.

۲- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من یرید ان یشی حیاتی، و یموت مماتی، و یسکن جنه الخلد التی وعدنی ربی فلیتول علی ابن ابی طالب، علیه السلام فانه لن یشرحکم من هدی، ولن یدخلکم فی ضلاله. الغدیر: ۱۰: ۲۷۸.

۳- عن جابر بن عبد الله الانصاری قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول لعلی بن ابی طالب علیه السلام: یا علی! انت اخی و وصیی و وارثی و خلیفتی علی امتی فی حیوتی و بعد وفاتی محبک محبیبی و مبغضک مبغضی و عدوک عدوی. امالی صدوق: ۱۲۴، ح ۵.

۱۹- پایه‌های اسلام

«امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و به هیچ چیز به اندازه آنچه در روز غدیر به ولایت تاکید شده، ندا نشده است.»^۱

۲۰- ولایت جاودانه

«امام کاظم علیه السلام فرمود: ولایت علی علیه السلام در کتابهای همه پیامبران ثبت شده است و هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر با میثاق نبوت محمد صلی الله علیه و آله و امامت علی علیه السلام.»^۲

۲۱- ولایت و توحید

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام ولایت خداست، دوست داشتن او عبادت خداست، پیروی کردن او واجب الهی است و دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خدایند، جنگ با او، جنگ با خدا و صلح با او، صلح با خدای متعال است.»^۳

۲۲- روز ناله نومیدی شیطان

«امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: شیطان دشمن خدا چهار بار ناله کرد: روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی

۱- عن ابی جعفر علیه السلام قال: بنی الاسلام علی خمس: الصلوه و الزکوه و الصوم و الحج و الولایه و لم یند بشیء ما نودی بالولایه یوم الغدیر. کافی ۲، ۲۱، ح ۸.

۲- عن ابی الحسن علیه السلام قال: ولایه علی علیه السلام مکتوبه فی صحف جمیع الانبیاء ولن یبعث الله رسولا الا بنبوه محمد و وصیه علی علیه السلام. سفینه البحار ۲: ۶۹۱.

۳- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ولایه علی بن ابی طالب و لایه الله و حبه عباد الله و اتباعه فریضه الله و اولیایه اولیاء الله و اعداؤه اعداء الله و حربهم حرب الله و سلمه سلم الله عز و جل. امالی صدوق: ۳۲.

که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث شد و روز عید غدیر.^۱

۲۳- اسلام در سایه ولایت

«امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: سنگهای زیربنای اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت که هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نمی شود.»^۲

۲۴- ده هزار شاهد

«امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ای حفص! شگفتا از آنچه علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام با آن مواجه شد! او با ده هزار شاهد و گواه (در روز غدیر) نتوانست حق خود را بگیرد، در حالی که شخص با دو شاهد حق خود را می گیرد.»^۳

۲۵- علی عَلَيْهِ السَّلَام مفسر قرآن

«پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روز عید غدیر فرمود: علی عَلَيْهِ السَّلَام تفسیر کتاب خدا، و دعوت کننده به سوی خداست»^۴

۱- عن جعفر، عن ابیه عَلَيْهِ السَّلَام قال: ان ابليس عدوا لله رن اربع رنات: يوم لعن، و يوم اهبط الى الارض، و يوم بعث النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و يوم الغدير. قرب الاسناد: ۱۰.

۲- قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَام: اثنافى الاسلام ثلاثه: الصلوه و الزكوه و الولايه، لا تصح واحده منهن الا بصاحبتيها. كافي: ۲، ص ۱۸.

۳- قال ابو عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام: العجب يا حفص لما لقي على بن ابى طالب!! انه كان له عشره الاف شاهد لم يقدر على اخذ حقه و الرجل ياخذ حقه بشاهدين. بحار الانوار: ۳۷، ۱۴۰.

۴- عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فى احتجاجه يوم الغدير: على تفسير كتاب الله، و الداعى اليه. وسائل الشيعة: ۱۸، ۱۴۲، ح ۴۳.



دریغ و افسوس

اگر هر مسلمانی بدون تعصب و بدون عاطفه و احساسات به این واقعیات بنگرد خواهد دید که علی علیه السلام دانشمندترین انسان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است و تاریخ گواه است که بزرگان اصحاب در آنچه بر آنان دشوار می آمد رو به سوی او می آوردند و از ایشان استمداد می جستند. تنها عمر بن خطاب در بیش از هفتاد مورد گفت «لولا علی لهلك عمر» (اگر علی نبود قطعاً عمر به هلاکت می رسید).

تاریخ، خود شهادت می دهد که علی بن ابیطالب علیه السلام شجاع ترین و نیرومندترین اصحاب بود و اگر بسیاری از قهرمانان از اصحاب، در مواقع حساس پا به فرار گذاشتند او در تمام مواقع ثابت و پابرجا ماند. غدیر نیز یکی از این شواهد بود که جز علی علیه السلام کسی دیگر لیاقت

۱- مناقب خوارزمی، ص ۳۹- تفسیر نیشابوری، ج ۳ ص ۱۱۰۳ و... به نقل از ك: همراه با راستگویان، دکتر تیجانی سماواتی، ص ۱۷۱

امامت مسلمین را ندارد. اما چه کردند با علی علیه السلام. با این همه فضیلت و با این همه مدارک و با جماعت ۱۲۰ هزار نفری باز علی را از حق مسلم خود محروم کردند. اما این، به ضرر علی علیه السلام نبود بلکه ایشان خانه نشین شدند و به عبادت پرداختند. بلکه ضرر و زیان و بدبختی اصلی را مردم خوردند که تا امروز هم همچنان از کاشته‌های گذشته‌گان ثمره بد برداشت می‌کنند.

آیا اگر علی علیه السلام خلافت را متصدی می‌شد، در مدت سی سال خانه‌نشینی، تغییر و تبدیلی در میان امت اسلامی بوجود می‌آمد؟ آیا نص صریح را در مقابل اجتهاد قرار می‌داد؟

علی علیه السلام، مردی بود که طبق سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بردل و قلب مردم حکومت می‌کرد و اگر طبق فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه می‌دادند از همان ابتدا زمام امور را بدست بگیرد، همانا اسلام امروز، جهان را فرا می‌گرفت و عقیده متین و محکم در قلوب مسلمانان جایگزین شده بود و فتنه‌های بزرگ و کوچک در دنیا رخ نمی‌داد. نه درب سوخته‌ای بوجود می‌آمد، نه کربلایی می‌بود و نه عاشورایی و نه....

آری امت اسلام در این آزمایش مردود شدند. همانگونه که امت‌های پیشین شدند. کاری کردند که نباید می‌کردند.



پیام غدیر به نسل امروز

اسلام دین کامل و جامع است و برنامه‌ای مدون برای اداره زندگی بشر در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی دارد و لذا «دین از سیاست جدا ناپذیر است» پیام جاودانه غدیر، تربیت انسان دینی احتیاج به تاسیس یک جامعه دینی دارد و تاسیس آن فرایندی است که تنها از طریق حکومت دینی امکان پذیر است.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان جلوه‌ای از عینیت و تحقق آرمان پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم و نیز با اجرایی کردن نظریه حاکمیت ولایت فقیه به عنوان استمرار امامت، کارآمدی دین را برای اداره بشر اثبات نمود. غدیر مرکز ثقل تاریخی اندیشه سیاسی در اسلام و سند تاریخی تفکیک ناپذیری دین از سیاست است. راهبرد پیوسته دین در عرصه روابط اجتماعی ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های مسلمان، دعوت به اصول و مبانی مشترک است. اگر پیام غدیر در صدر اسلام عملی می‌شد

امامت امام معصوم و حاکمیت آن باعث ایجاد وحدت در امت پیامبر می‌شد و ثمره این وحدت، رسیدن به آرمان شهری که خداوند متعال با حاکمیت دین وعده داده بود می‌شد.

ما در زمان خود ثمره حاکمیت امامت را دیده‌ایم که جامعه‌ی ما از میان این همه طوفان‌ها، بحران‌ها و چالش‌های متفاوت که هر یک می‌توانست باعث گسیختگی ملت ما شود به سلامت عبور کرد و تمام تهدیدها با مدیریت ولایت فقیه به فرصت تبدیل و ما امروز زمینه‌ساز باز تولید تمدن اسلامی با مرکزیت ایران اسلامی هستیم. نظریه ولایت فقیه تضمین‌کننده حضور پیوسته دین در قلمرو زندگی بشر است و لذا ما دفاع نظری و عملی از ضرورت حضور انسان کامل در قلمرو زندگی انسان اثبات‌کننده حقانیت «غدیر» است.

رسالت اصلی انقلاب اسلامی ایران به عنوان پیش‌درآمد انقلاب جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى استقرار عدالت است زیرا که عدالت علت تامه، معنویت در جامعه می‌باشد در صورت استقرار نسبی عدالت، جمهوری اسلامی مدل موفق از مدیریت دینی به شایستگی معرفت اسلام علوی و مبشر اسلام مهدوی خواهد بود. استقرار عدالت جوهره اصلی پیام غدیر است در سایه حاکمیت انسان کامل. پیام غدیر به نسل ما این است؛ سعادت و رستگاری جامعه انسانی تنها در گرو جاری شدن احکام الهی در تمامی زمینه‌های فردی و اجتماعی تحت زعامت و مدیریت انسان کامل و الهی است.

والسلام علی عباد الله الصالحین

محمد علمداری فر



منابع و مأخذ

۱. قران كريم
۲. نهج البلاغه

منابع عربى:

۱. الاحتجاج، احمد بن على طبرسى (قرن ۶) انتشارات اسوه، ۱۴۱۳ ق
۲. اصول كافى، كلينى محمد بن يعقوب، ترجمه هاشم رسولى، كتابفروشى علميه اسلاميه، تهران ۱۳۶۹
۳. اعلام النساء، محمد حسون و ام على مشكور، نشر اسوه، تهران ۱۴۲۱ ق
۴. اعيان الشيعه، محسن امين، دارالتعارف للمطبوعات بيروت ۱۴۰۳ ق
۵. الامامة وسياسة، ابن قتيبه دينورى (۲۷۶)، منشورات شريف رضى
۶. بحار الانوار، علامه مجلسى (۱۱۱۰) احياء التراث العربى، بيروت ۱۴۰۳ ق

۷. تاریخ الخلفاء، جلال الدین سیوطی (۹۱۱)، قم، انتشارات شریف رضی
۸. تفسیر نور الثقلین، عبدالعلی بن جمعه حویزی، مصحح هاشم رسولی، نشر اسماعیلیان، قم ۱۴۱۵ ق
۹. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، نشر صدوق، تهران ۱۴۱۷ ق
۱۰. شرح فروغ کافی، محمد هادی مازندرانی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالحدیث قم ۱۳۸۸ شمسی
۱۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق (۳۸۱)، دارالاضواء، بیروت، چاپ ششم ۱۴۰۵ ق
۱۲. نهج الحیة، گروهی از نویسندگان، بنیاد نهج البلاغه، تهران
۱۳. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی (۱۱۰۴)، دارالاحیاء تراث العربی، بیروت چاپ هشتم ۱۴۱۲ قمری

منابع فارسی:

۱. از غدیر تا عاشورا، سید کاظم پرینچی، انتشارات نسیم کوثر، چاپ اول-۱۳۸۲
۲. اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام، استاد آقایی، نشر یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ ۱۳، تهران-۱۳۸۹
۳. امام شناسی، علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ اول-۱۴۳۲ق
۴. امامت و رهبری، شهید مطهری رحمته الله علیه، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۹۷
۵. بهشت عقاید، مهدی نیلی پور، انتشارات مرغ سلیمان، چاپ دوم ۱۳۹۲
۶. پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه امام علی، چاپ پنجم-۱۳۷۴
۷. تاریخ اسلام، مهدی پیشوایی، نشر معارف، چاپ دوم-۱۳۸۲
۸. تفسیر تسنیم، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم-۱۳۹۱
۹. تفسیر المیزان، علامه محمد حسین طباطبایی، نشر اسماعیلیان، تهران ۱۳۶۳
۱۰. تفسیر نسیم حیات، ابوالفضل بهرام پور، انتشارات هجرت، چاپ اول، تابستان-۱۳۸۰
۱۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم ۱۳۹۲

۱۲. تفسیر نور، حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ هشتم- ۱۳۸۱
۱۳. حماسه غدیر، محمد دشتی، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام، چاپ اول، چاپخانه شرف، ۱۳۷۵
۱۴. خلاصه الغدیر، یعقوب قاسملو، انتشارات نسیم حیات، چاپ اول- ۱۳۸۰
۱۵. خلاصه ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، علامه جعفری، تلخیص محمدرضا جوادی، دفتر نشر معارف اسلامی، چاپ دوم- ۱۳۷۹
۱۶. رخساره خورشید، (سیره امام علی علیه السلام در نهج البلاغه) مصطفی دلشاد تهرانی، انتشارات دریا، چاپ اول- ۱۳۹۱
۱۷. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، موسسه امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ سیزدهم ۱۳۸۲
۱۸. صحیفه نور، بیانات امام خمینی رحمته الله علیه
۱۹. عقاید اسلام، علامه سید مرتضی عسکری، ترجمه: محمد جواد کرمی، انتشارات مجمع علمی اسلامی، چاپ اول
۲۰. الغدیر، علامه امینی رحمته الله علیه، دارالکتاب العربی، چاپ چهارم- ۱۲۹۷
۲۱. غدیر شناسی، محمد دشتی، موسسه تحقیقاتی امیر المومنین علیه السلام، چاپ سیزدهم- ۱۳۸۳
۲۲. فروغ ولایت، آیت الله سبحانی، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام قم ۱۳۸۷
۲۳. قطره‌های از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، ترجمه القطره آیت الله سید احمد مستنبط، ترجمه محمد ظریف، نشر حاذق، چاپ

دوم-۱۳۸۳

۲۴. مدرسه سبز غدیر، مجید حیدریفر، انتشارات زائر، چاپ اول-

۱۳۸۶

۲۵. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، چاپ دهم

۱۳۷۶-

۲۶. نقش ائمه در احیای دین، علامه سید مرتضی عسگری، مرکز

فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ اول با ویرایش جدید، ۱۳۸۲

۲۷. همراه با راستگویان، دکتر محمد تیجانی، ترجمه سید محمد

جواد مهری، بنیاد معارف اسلامی، چاپ ۴۸، زمستان-۱۳۹۰